

سازمان ملل متحد

ضرورت اصلاحات

و

تجدید ساختار

تحقیق: عایشه محمدی، ۱۳۹۹/۱/۱



حق نشر برای مرکز مطالعات استراتژیک و منطقی محفوظ است

فهرست مطالب

صفحات	عناوین
۴	پیشگفتار
۳	مقدمه
۶	روش تحقیق
۷	بخش اول
۷	چگونگی تأسیس سازمان ملل متحد
۷	۱- اعلامیه بین‌الملل متحدین:
۷	۲- منشور اتلانتیک:
۷	۳- اعلامیه ملل متحد:
۸	۴- کنفرانس های مسکو و تهران:
۸	۵- کنفرانس دومبارتن اوکس:
۸	۶- کنفرانس یالتا:
۹	۷- کنفرانس سانفرانسیسکو:
۱۰	تأثیرات مثبت و منفی دولت های فاتح جنگ جهانی دوم بر مؤثریت و عدم مؤثریت سازمان ملل متحد
۱۶	بخش دوم
۱۶	ترکیب سازمان ملل متحد
۱۶	۱- شرایط و انواع عضویت
۱۶	۲- ارکان سازمان ملل متحد
۱۷	۲-۱. ارکان اصلی سازمان ملل متحد:
۱۷	۲-۱-۱. شورای امنیت:
۱۸	۲-۱-۱-۱. نگاهی به حق ویتو
۲۳	۲-۱-۱-۲. دلایل مخالفین حق ویتو
۲۴	۲-۲. مجمع عمومی
۲۵	۲-۳. دارالانشاء
۲۶	۲-۴. شورای اجتماعی و اقتصادی سازمان ملل متحد

۲۶.....	۵-۲. دیوان بین المللی دادگستری:
۲۷.....	۶-۲. شورای قیمومیت
۲۹.....	بخش سوم
۲۹.....	دستاورد ها، ناکامی ها و بررسی عوامل ناکارآمدی سازمان ملل متحد
۲۹.....	۱-موفقیت ها و دستاوردهای مهم سازمان ملل متحد:.....
۳۰.....	۲-ناکامی های سازمان ملل متحد
۳۱.....	۱-۱. فلسطین
۳۱.....	۱-۲. صلح، ثبات و تروریسم.....
۳۲.....	۱-۳ اعلامیه هزاره
۳۳.....	۱-۴ امنیت
۳۴.....	۳- بررسی عوامل ناکارآمدی سازمان
۳۷.....	بخش چهارم
۳۷.....	نگاهی به عمل کرد سازمان ملل متحد، اصلاحات و ضرورت تجدید ساختار آن
۳۸.....	۲-۱. از تأسیس سازمان ملل متحد تا سال ۲۰۰۰م:
۳۹.....	۲-۲. اصلاحات بعد از سال ۲۰۰۰م در سازمان ملل متحد.....
۴۰.....	۲-۳. از ۲۰۱۵م تا سال ۲۰۳۰م اهداف توسعه پایدار
۴۱.....	۲-۳-۱. اهداف توسعه پایدار
۴۲.....	۳. ضرورت بازسازی دوباره سازمان
۴۳.....	۲- پایان جنگ سرد و برهم خوردن نظام دوقطبی:
۴۳.....	۳- افزایش توان تأثیر گذاری برخی از بازی گران بین المللی:
۴۶.....	مواضع قدرت های بین المللی در قبال اصلاحات در شورای امنیت
۴۶.....	سهم کشورهای شورای امنیت سازمان در امر بودیجه
۴۷.....	سلطه گرایی آمریکا بر سازمان ملل متحد:.....
۴۹.....	پیشنهادات
۵۱.....	نتیجه گیری
۵۴.....	ضمیمه شماره ۱
۵۴.....	هشت اصل عمده منشور آتلانتیک و موضوع اخراج افریقای جنوبی

ضمیمه شماره ۲..... ۵۶

فهرست کشور های مؤسس سازمان ملل متحد..... ۵۶

منابع..... ۵۸

مرکز مطالعات استراتژیک و منظوری

پیشگفتار

برقراری صلح و امنیت جهانی و ایجاد همکاری های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی از اساسی ترین نیازها و دیرینه ترین آرزوهای بشر بوده است. اما پیش برد هدف های صلح بین المللی و رفاه عمومی جهانیان بدون تشکیل نهاد های که این اهداف را دنبال کنند، میسر نبوده است. در قرون گذشته، روابط بین الملل مبتنی بر روابط دو جانبه و چند جانبه دولت ها بود و هر چند در قرن نوزدهم نیز کوشش های در جهت نظام بخشیدن همکاری های بین المللی از طریق کنفرانس برلین ۱۸۸۵ م و کنفرانس وینا ۱۹۱۵ م صورت گرفت، اما آن تلاش ها چندان نتیجه بخش نبود خصوصا این که حوزه آن اقدامات تنها به قاره اروپا محدود می شد. با پیش رفت جوامع بشری لزوم همکاری همه جانبه دولت ها و برقراری روابطی عادلانه، ضروری ترین اقدام برای دست یابی به صلح واقعی و امنیت پایدار به شمار آمد. بنا بر این پس از جنگ جهانی اول "جامعه ملل" به عنوان نخستین سازمان بین المللی که در نظر داشت کلیه اعضای جامعه بین المللی را در بر گیرد، تشکیل شد. این سازمان که در جهت نزدیک کردن دولت ها گام های بزرگی برداشت، به دلیل ضعف های بنیادین و ساختاری خود نتوانست از وقوع طوفان ویران گر جنگ جهانی دوم که خسارات فراوان و میلیون ها قربانی بر جای گذاشت جلوگیری کند. علی رغم ضعف های جامعه ملل احساس نیاز به تشکیل اجتماع جدیدی از دولت ها نه تنها که از بین نرفت بلکه دو چندان شد. دولت های فاتح جنگ با اعتقاد راسخ به این که تنها راه صلح و امنیت بین المللی تشکیل یک سازمان جدید با ساختار نوین است، "سازمان ملل متحد" را تأسیس کردند. تحولاتی که پس از تشکیل سازمان ملل متحد در جهان صورت گرفته است، تغییراتی شگرف در نظام داخلی دولت ها و تطبیق مقررات آنها با قواعد بین المللی به وجود آورده است. علی رغم آثار مثبت تشکیل این سازمان بر جامعه بین المللی باید اذعان داشت که این سازمان ضعف ها و ناکامی های بزرگی نیز داشته است که از آن جمله می توان به سیاست دوگانه شورای امنیت در قبال دولت های مختلف، عدم توفیق در برقراری نظم بین المللی اقتصادی، نداشتن ضمانت اجرایی کافی در اجرای قواعد حقوق بین الملل

و... اشاره کرد.^۱

هدف این مقاله بررسی کارکردهای سازمان ملل متحد، شکست‌ها و موفقیت‌های این سازمان، ضرورت اصلاحات در ساختار سازمان و سایر موضوعات مرتبط؛ از زمان تأسیس تا اکنون می‌باشد. از طرفی با در نظرداشتن این که دامنه فعالیت‌های این سازمان وسیع می‌باشد؛ تعدادی از موضوعات به صورت اجمالی ذکر گردیده است.

مقاله حاضر متشکل از یک مقدمه، چهار بخش با عناوین اصلی که هر بخش از چند عنوان فرعی دیگر تشکیل گردیده است می‌باشد. در ابتدا تاریخچه تشکیل سازمان ملل متحد، ترکیب سازمان، ارکان سازمان، دستاوردها، ناکامی‌ها و عوامل ناکارآمدی سازمان ملل متحد، اهداف توسعه هزاره و نحوه عمل کردن سازمان ملل متحد بیان می‌گردد، بعداً اصلاحات و ضرورت تجدید ساختار در سازمان ملل متحد مورد بررسی قرار می‌گیرد و در بخش پایانی بررسی طرح‌های پیشنهادی برای اصلاح شورای امنیت سازمان ملل متحد مشمول طرح کشورهای اسلامی و مواضع قدرت‌های بین‌المللی در قبال اصلاحات، نقش کشورهای فاتح جنگ در تأمین بودیجه سازمان و پیشنهادات لازم برخی دانشمندان روابط بین‌الملل جهت بهبود ساختار و عمل کردن این سازمان ارایه می‌شود. امیدوارم این تحقیق بتواند بزرگ‌ترین سازمان جهانی (ملل متحد) را آن طوری که است برای پژوهش‌گران جوان کشور ما معرفی بدارد.

۱. رضا زاده. موسی، (۱۳۹۰)، سازمان‌های بین‌المللی، تهران، نشر میزان، صص ۲۰-۱۹

مقدمه

سازمان ملل متحد سازمان بین‌المللی است که در سال ۱۹۴۵م تأسیس و جای‌گزين جامعه ملل که در سال ۱۹۲۰م تأسیس شده بود، شد. این سازمان توسط ۵۱ کشور تأسیس و در سال ۲۰۱۱م ۱۹۲ کشور عضو داشته است. تعداد اعضای آن در حال حاضر به ۱۹۷ کشور می‌رسد. اعضای آن تقریباً شامل همه کشورهای مستقل می‌شود که از نظر بین‌المللی به رسمیت شناخته شده‌اند. فقط واتیکان^۱، که عضویت این سازمان را نپذیرفته است و چین ملی (تایوان) که عضویتش بعد از عضویت جمهوری خلق چین لغو شد. (توجه: فکر می‌کنم که کروویایی شمالی نیز عضویت سازمان ملل متحد را ندارد) مقر سازمان ملل متحد در نیویارک است و کشورهای عضو و مؤسسات وابسته در طول هر سال با تشکیل جلسات منظم در مورد امور بین‌الملل و امور اجرایی مربوط به آنها تصمیم‌گیری می‌کنند.^۲

سازمان ملل در پایان جنگ جهانی دوم و از سوی کشورهای پیروز در آن جنگ شکل گرفت زیرا اصول حاکم بر فعالیت سازمان ملل متحد نشان‌دهنده شرایط بعد از جنگ جهانی دوم بر آن است (محدود بودن شورای امنیت بر پنج عضو دائمی برنده جنگ جهانی دوم؛ یکی از ارکان اساسی سازمان شورای امنیت است که متشکل از پنج عضو دائمی با امتیاز حق ویتو هستند در حقیقت حق ویتو مخالف اصل تساوی حاکمیت کلیه اعضا می‌باشد؛ اما در آغاز قرن ۲۱ نمی‌توان گفت که این ۵ عضو دائمی هنوز هم از قدرت‌های اول دنیاست، انتخاب این پنج عضو یک انتخاب سیاسی به اساس روابط قدرت بوده است اما در شرایط کنونی کشورهای بزرگ دیگر چون آلمان، جاپان، هند و برزیل که بیش‌ترین سهم مالی در بودیجه سازمان را دارند خواهان افزایش تعداد اعضای دائمی شورای امنیت هستند).^۳

برعلاوه رجب طیب اردوغان رئیس‌جمهور ترکیه بارها باانتقاد از ساختار شورای امنیت ملل متحد بیان داشته است که دنیا بزرگ‌تر از پنج است. که اشاره‌شان متوجه پنج عضو دائمی شورای امنیت سازمان ملل دارنده حق ویتو می‌باشد. وی در کنفرانس اسلامی کولامپور مالیزیا به‌طور صریح گفت: نمی‌توانیم سرنوشت یک میلیارد و هفت صد میلیون مسلمان را به دست برنده گان جنگ جهانی دوم قرار دهیم. این کار نشان‌دهنده این است که قدرت کشورهای پیروز جنگ جهانی دوم بر این سازمان تا هنوز سایه افکنده است و باعث می‌شود که حق برابری کشورها و عدالت را از این سازمان در تصمیماتش بگیرد، سیستم فعلی

۱ واتیکان کشوری مستقل است که در منطقه درون شهر روم در کشور ایتالیا جای دارد، واتیکان شهر مقر پاپ، رهبر کاتولیک‌های روم است و کلیسا یا قصر سلطنتی سن پیر در داخل واتیکان بزرگ‌ترین کلیسای جهان است.

۲ میراحسنی. منیرالسادات، (۱۳۸۸)، مجله اقتصادی-ماهنامه بررسی مسایل و سیاست‌های اقتصادی، شماره ۹۳ و ۹۴، ص ۱۰۴

۳ رضا زاده. موسی، همان اثر ص ۱۱۷

این سازمان بر اساس نتایج جنگ جهانی دوم بنا شده است؛ در صورتی که معادلات امروز جهان بسیار تفاوت کرده است. در حال حاضر، وارد دوران چند قطبی و تعادل و توازن در جهان شده ایم و در سایه تحولات اساسی و بنیادین در ساختار نظام بین الملل، به ویژه تغییرات ناشی از پایان جنگ سرد، قرار داریم. برخی از این تحولات عبارت اند از: جا به جایی نقش قدرت ها، اهمیت یافتن موضوعات و مفاهیم جدید، فراهم شدن بسترهای جدید برای پذیرش مسئولیت های متفاوت با گذشته در سازمان های بین المللی به ویژه سازمان ملل متحد. لزوم بازنگری در نقش، جایگاه و ساختار این نهاد بین المللی متناسب با شرایط تازه جهانی از جمله مسائلی است که از چندی پیش، نگاه ها را به خود جلب کرده است. این تغییرات درباره شورای امنیت سازمان ملل از اهمیت ویژه ای برخوردار است؛ زیرا حق ویتو یا باید به طور کامل بر چیده شود یا به دیگر اعضا هم داده شود.^۱

اگر حق ویتو به طور کامل برداشته شود بهتر است نسبت به این که به دیگران نیز این حق داده شود. چون در طول تاریخ ملل متحد این حق ویتو سبب شده است که کشورهای دارنده این حق از آن برای قدرت مند شدن شان استفاده نمایند. فرضا اگر تعداد دارنده گان حق ویتو بیش تر شود در آن صورت نیز تصمیمات شورای امنیت سازمان ملل متحد زیر تأثیر یک عدد بیش تر از پنج قرار خواهد داشت. محض موجودیت حق ویتو یک بی عدالتی بی پرده است که لازم است بساط آن از سازمان ملل متحد بر چیده شود. یک فرض دیگر این است که حق ویتو به تمام اعضای سازمان ملل متحد داده شود که در آن صورت تصمیم گیری در این سازمان بین المللی به مشکل مواجه می گردد.

هدف اصلی از تشکیل این سازمان حفظ صلح و امنیت بین المللی، ادعا و اعلان شده بود که صراحتاً در بند ۱، ماده ۱ منشور تصریح شده است. این بند، مقدمه ای بود برای فصل شش و هفت منشور که چگونگی اجرای این وظیفه خطیر به تفصیل در آن شرح داده شده است.^۲

امروزه بسیاری از کارشناسان روابط بینالملل به این باور اند که سازمان ملل متحد در دستیابی به مهم ترین هدف خویش، یعنی حفظ صلح و امنیت بین المللی ناکام مانده است.^۳

۱ پایگاه اطلاع رسانی حوزه، سازمان ملل متحد و عملکرد آن، تاریخ نشر (۱۳۸۷)، مجله مبلغان، شماره ۱۰۸، تاریخ دسترسی

۱۷ حوت ۱۳۹۸، لینک خبر <https://hawzah.net/fa/Magazine/View/2689/6604/77076/>

۲ سعیدی نژاد. حمید رضا، (۱۳۸۲)، فصلنامه مطالعات منطقه ای: اسرائیل شناسی - آمریکا شناسی (نگاه فلسطین، سازمان ملل و ایالات متحده آمریکا)، سال پنجم شماره ۱، ص ۱۴۳

۳ احمدی. حسین پور، مزیدی. مقداد قنبری، (۱۳۹۲)، عوامل بحران کارکرد سازمان ملل متحد، فصلنامه سیاست خارجی سال بیست و هفتم شماره ۱، ص ۲۲۷

چنان که قطعنامه های این سازمان در بسیاری موارد به نفع کشورهای دایمی شورای امنیت ویتو شده اند از جمله قطعنامه سازمان ملل به خاطر عدم ساخت شهرک سازی اسرائیل در نوار غزه با ویتو امریکا مواجه شد.¹

سوالات تحقیق که بعدا به اساس آن می توان فرضیه سازی نمود عبارت اند از: کدام عوامل باعث گردیده تا کارکرد این سازمان را به سوی بحران ببرد؟ چرا این سازمان در برآورده شدن اهداف اساسی خویش ناکام بوده است؟ آیا حق ویتو امتیاز ناعادلانه پنج کشور نسبت به سایر اعضا نیست؟

فرضیه ای که در این تحقیق به اساس سوالات تحقیق طرح می گردد و ما را به سوی یک نتیجه گیری رهنمایی خواهد کرد عبارت اند از:

با توجه به اهداف سازمان ملل متحد و هدف اصلی تأسیس این سازمان یعنی حفظ صلح و امنیت بین المللی شناسایی عوامل بحران این سازمان به اساس چهارچوب نظری مرتبط به موضوع با در نظر داشت نکات ذیل: تاکید بر پیچیدگی مفهوم امنیت جهانی و توجه به جنبه های اقتصادی با پایان جنگ سرد، وجود بازیگران غیر دولتی در کنار دولت ها، توجه به بحث دموکراتیزه کردن و چند جانبه گرایی سازمان ملل متحد، این عوامل را میتوان چنین تفکیک کرد:

- ساختار سازمان ملل متحد که متأثر از شرایط توزیع قدرت پس از جنگ جهانی دوم بوده ولی در عصر کنونی نظام توزیع قدرت متحول شده است و این تضاد میان شرایط توزیع قدرت جدید و روال حاکم بر ساختار و عمل کرد سازمان باعث ایجاد بحران کار کرد سازمان ملل متحد شده است.
- مفهوم امنیت که در منشور سازمان ملل از آن تعریف به عمل آمده است یک امنیت نظامی و سخت افزاری است حالانکه مفهوم امنیت بعد از جنگ سرد تحول یافته و جنبه نرم افزاری به خود گرفته است.
- تأسیس سازمان ملل در آن زمان توسط بازیگران اصلی نظام روابط بین الملل یعنی دولت ها صورت گرفت ولی امروزه نقش بازیگران اصلی در فضای بین المللی کاسته و در عوض بازیگران غیر دولتی مؤثری وارد عرصه سیاست جهانی شده اند.
- بحث یک جانبه گرایی ایالات متحده امریکا به خصوص بعد از حمله ۱۱ سپتامبر و حمله به عراق و افغانستان از عوامل عمده بحران کارکرد سازمان ملل محسوب می گردد.
- توزیع نا برابر قدرت در این سازمان به نفع پنج کشور دارای حق ویتو کارکرد این سازمان را زیر پرسش می برد.

1 http://en.wikipedia.org/wiki/United_Nations

مغایرت حق ویتو با اصول دموکراتیک و محدودیت حق تصمیم‌گیری در انحصار چند کشور، برخوردار نبودن تصمیمات مجمع عمومی از تأثیر لازم در مقایسه با تصمیمات شورای امنیت و سایر موضوعات باعث شد تا این سازمان نتواند بر اهداف خویش به خصوص صلح و امنیت جهانی نایل آید.^۱

روش تحقیق

در این تحقیق از روش توصیفی با روش گرد آوری کتاب خانه‌ای، استفاده از مقالات، مجلات، منشور سازمان ملل متحد، نظریات و پیشنهادات دانشمندان و کارشناسان سیاسی و بین‌المللی و سایت‌های اینترنتی مرتبط به موضوع صورت گرفته است. لست از منابع که مورد استفاده قرار گرفته، به خاطر استفاده خواننده محترم در اخیر تحقیق ضم ساخته شده است.

مطالعات استراتژیک و منطقی

۱ احمدی. حسین پور، مزیدی. مقداد قنبری، همان اثر، ص ۲۴۷

بخش اول

چگونگی تأسیس سازمان ملل متحد

تأسیس سازمان ملل متحد به عنوان سازمان جهانی که از سوی قدرت های فاتح جنگ در اثنای جنگ جهانی دوم بنیان گذاشته شد، از نظر تاریخی از مراحل مختلف به شرح ذیل گذشته است:

۱- اعلامیه بین المتحدین^۱:

نخستین گام در زمینه تأسیس سازمان ملل، صدور "اعلامیه بین المتحدین" بود. این اعلامیه به تاریخ ۱۲ جون سال ۱۹۴۱م در کاخ "سنت جیمز" در لندن توسط نمایندگان کشورهای متحد استرالیا، اتحادیه آفریقا جنوبی، بریتانیا، زیلانده نو، کانادا و دولت های در تبعید بلجیم، چکسلواکیا، پولند، لوگزامبورگ، ناروی، هالند، یوگسلاوی، یونان و جنرال دوگل (از فرانسه) امضاء شد.^۲

۲- منشور اتلانتیک^۳:

گام دومی که در زمینه شکل گیری سازمان ملل متحد برداشته شد، به امضاء رسانیدن منشور اتلانتیک بود. به تاریخ ۱۴ اگست سال ۱۳۴۱م رئیس جمهور وقت امریکا فرانکلین روزولت از صدراعظم وقت انگلستان وینستون چرچیل خواست یک اعلامیه را که بیان گر پالیسی و سیاست ملی هر دو کشور یاد شده در مقابل دولت های محور (آلمان، ایتالیا و جاپان) باشد، ترتیب دهد. بالآخره در نتیجه آن اعلامیه ای که بنام "منشور اتلانتیک" معروف است ترتیب گردد، و سپس هر دو کشور یاد شده آن را امضاء کردند. منشور اتلانتیک بر هشت اصل^۴ عمده تاکید داشت.^۵

۳- اعلامیه ملل متحد:

نمایندگان ۲۶ کشور درگیر در جنگ با دولت های محور (آلمان، ایتالیا و جاپان) به تاریخ اول جنوری ۱۹۴۲م در واشنگتن اعلامیه را به امضاء رسانیدند. در این اعلامیه ضمن قبول اصول منشور اتلانتیک متحدین یا متفقین متعهد شدند که به همکاری همه جانبه خویش علیه دولت های محور ادامه می دهند و هیچ یک نباید به طور جداگانه با دشمنان ترک مخاصمه کند و یا صلح نماید.^۶

1 Inter- Allied Declaration

۲ زاهد. محمد اکبر، (۱۳۹۵)، سازمان های بین المللی، کابل، انتشارات مستقبل ص ۸۵

3 Atlantic Charter

۴ برای دانستن هشت اصل عمده منشور اتلانتیک به ضمیمه شماره ۱ رجوع کنید.

۵ زاهد. محمد اکبر، همان اثر، ص ۸۵

۶ زاهد. محمد اکبر، همان، ص ۸۶

۴- کنفرانس های مسکو و تهران:

در سال ۱۹۴۳م نیز تلاش و جد و جهد برای ایجاد یک سازمان بین المللی جدید به شدت ادامه داشت، از اینرو گام بلندی دیگری که در این راستا برداشته شد نشست وزرای خارجه آمریکا(کردل هول)، شوروی (و.م. مولوتف)، بریتانیا (آنتونی ایدن) و سفیر کبیر چین در شوروی(فوپینگ شونگ) در ۳۰ اکتوبر ۱۹۴۳م در مسکو بود. به تاریخ اول دسامبر ۱۹۴۳م یک ماه بعد از کنفرانس مسکو، رئیس جمهور امریکا روزولت، رهبر شوروی استالین، و صدراعظم انگلستان چرچیل، در کنفرانس تهران شرکت کردند. در این کنفرانس نیز ایجاد یک سازمان بین المللی جدید مورد توجه قرار گرفت^۱.

۵- کنفرانس دومبارتن اوکس:

گام مهم دیگری در این رابطه در اواخر تابستان سال ۱۹۴۴م در ویلایی در شهر واشنگتن به نام دومبارتن اوکس برداشته شد. در مرحله نخست به تاریخ ۲۱ اگست ۱۹۴۴م یک کمیسیونی از نمایندگان شوروی، بریتانیا و امریکا متشکل گردید و به مذاکرات پرداختند. در مرحله دوم به تاریخ ۲۹ سپتامبر الی ۷ اکتوبر ۱۹۴۴م نمایندگان آمریکا، بریتانیا و چین باهم به گفتگو پرداختند. در نتیجه مذاکرات ایشان پی بردند که یگانه راه حل عملی تر برای اعاده صلح و امنیت در دنیای پس از جنگ ایجاد سازمان های بین المللی عمومی می باشد. در این کنفرانس ضمن ترتیب یک سند روی مقاصد و اصول سازمان بین المللی مورد نظر، عضویت و ارکان اصلی آن و پیش بینی های لازم برای حفظ صلح و امنیت بین المللی و برای همکاری اقتصادی و اجتماعی بین المللی، توافق های به عمل آمد. در این کنفرانس تصمیم گرفته شد که این سازمان بنام سازمان ملل متحد مسمی خواهد گردید. و همچنین در این مذاکرات مسؤلیت حفظ صلح و امنیت بین المللی به عهده شورای امنیت گذاشته شد که پنج قدرت بزرگ در آن نمایندگی دایمی داشت؛ هرچند در مورد نحوه رأی گیری در شورای امنیت توافق حاصل نشد^۲.

۶- کنفرانس یالتا:

این کنفرانس با شرکت روزولت رئیس جمهور آمریکا، استالین رئیس جمهور شوروی و چرچیل صدراعظم انگلستان در ۱۱ فبروری ۱۹۴۵م جهت تصمیم گیری نهایی در باره مسایل مورد اختلاف تشکیل شد. در کنفرانس یالتا قدرت های بزرگ که پیروزی را بسیار نزدیک می دیدند، ضمن حل اختلاف های خود توافق

۱ زاهد. محمد اکبر، همان، ص ۸۶

۲ زاهد. محمد اکبر، همان، ص ۸۷

های کنفرانس دومبارتن اوکس را تکمیل کرده و به شورای امنیت در سازمان بین المللی عمومی حق ویتو را واگذار کردند.^۱

۷- کنفرانس سانفرانسیسکو:

این کنفرانس در پی دعوت نامه هایی که برای ملت های درگیر جنگ با دولت های محور ارسال شد، در شهر سانفرانسیسکو واقع در امریکا با حضور ۲۶۰ نماینده از پنجاه کشور متحد، به منظور تهیه و تدوین منشور ملل متحد تشکیل شد. کنفرانس یاد شده رسماً "کنفرانس ملل متحد در باره سازمان بین المللی" نام گرفت. موضوعات مورد بحث با توجه به توافق های قبلی دولت های متحد به ویژه قدرت های بزرگ در چهار محور تقسیم بندی شد و هریک مورد مطالعه یک کمیسیون جداگانه قرار گرفت. سرانجام نمایندگان پنجاه و یک دولت شرکت کننده در کنفرانس به تاریخ ۲۵ جون ۱۹۴۵م به اتفاق آرا منشور ملل متحد را امضاء کردند. این منشور ۱۹ فصل و ۱۱۱ ماده تدوین شد و اساسنامه محکمه بین المللی عدالت به عنوان جزء لاینفک آن ضمیمه گشت. منشور متذکره بالاخره به تاریخ ۲۴ اکتوبر ۱۹۴۵م پس از آنکه امریکا، انگلستان، چین، اتحاد جماهیر شوروی، فرانسه و اکثر امضاء کنندگان سند منشور را تصویب نمودند لازمالاجرا گردید.^۲

۱ زاهد. محمد اکبر، همان اثر، ص ۸۷

۲ زاهد. محمد اکبر، همان، صص ۸۷-۸۸

تأثیرات مثبت و منفی دولت های فاتح جنگ جهانی دوم بر مؤثریت و عدم

مؤثریت سازمان ملل متحد

سازمان ملل متحد به هدف حفظ صلح میان دولت ها پس از جنگ جهانی دوم بنیان نهاده شد. هدف ملل متحد نیز به هدف مسؤلیت اولیه حفظ صلح و امنیت بین المللی تحت منشور ملل متحد به وجود آمد تا سازمان ملل متحد از طریق امنیت دسته جمعی قادر به اجرای صلح باشد. با این حال، حفظ صلح که محصول پیامدهای استراتژیک جنگ سرد بود در سال های اولیه پس از جنگ جهانی دوم، ابر قدرت ها با افزایش اختلافات مواجه شدند و سپس برخورد منافع به سرعت فضایی از خصومت و بی اعتمادی را به ویژه درباره کشورهای یونان، ایران، اندونزی، لبنان و سوریه به وجود آورد. بنا بر این از همان ابتدا رقابت رو به رشد میان قدرت های بزرگ، توانایی سازمان ملل متحد را برای مقابله با این بحران ها با موانع عمده ای مواجه کرد. نداشتن اتفاق نظر و خصومت بین ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی، شورای امنیت سازمان ملل متحد را فلج کرد؛ از این رو، اجرای مفاد منشور ملل متحد برای حفظ صلح با دشواری های مواجه بود. علاوه بر این شورای امنیت در تصمیم های خاصی که درباره درگیری های اندونزی، فلسطین و کشمیر اتخاذ کرد، شکست خورد. هرچند منازعات، صلح و امنیت بین المللی را به خطر انداخته بود، شورای امنیت تحت فصل هفتم منشور و امنیت دسته جمعی اقدامی انجام نداد. بدین ترتیب، با اینکه جنگ همچنان به روال خود ادامه می داد، هیچ گونه اقدامی نظامی، اقتصادی یا قهری اتخاذ نشد. شورای امنیت به دلیل شکاف میان قدرت های بزرگ، موفق به اجرای سیستم امنیت دسته جمعی نشد. و در نتیجه، این امر به اثبات رسید که سیستم امنیت دسته جمعی پیش بینی شده در فصل هفتم منشور ملل متحد ناکارآمد و بلااستفاده است. پس از جنگ سرد تنش سیاسی در شورای امنیت کاهش یافت و همین امر به سازمان ملل متحد اجازه داد تا در قبال درگیری ها، بیشتر پاسخگو باشد.^۱

هدف اصلی این سازمان حفظ صلح و امنیت بین المللی بود؛ بدین معنا که دولت ها را از حمله به یکدیگر منصرف کند و در صورت وقوع چنین حملاتی، اقداماتی برای مقابله با آن ترتیب دهد. سازمان ملل متحد، یک سازمان حقوقی-سیاسی و یگانه سازمان قدرتمندی است که بر کارکردهای حکومت ها نظارت می کند؛ اما واقعیت این است که جنبه سیاسی در کارکرد این نهاد بر جنبه های حقوقی آن غلبه کرده است و در بیشتر موارد ابعاد حقوقی آن را تحت الشعاع قرار داده است. این سازمان در طول عمر خود، فراز و نشیب های زیادی را از لحاظ تصمیم گیری و استقلال پیموده و در دوران های مختلف به دلیل مداخلات کشورهای قدرتمند، بارها خود را از ایفای نقش حقوقی-سیاسی اش در عرصه بین المللی ناتوان دیده است.

۱ کاظم سجاد پور. سید محمد، آقامحمدی. زهرا، (۱۳۹۴)، شورای امنیت، قدرت های بزرگ و عملیات حفظ صلح سازمان ملل متحد: چارچوب های مفهومی و کارکردهای عملیات، فصلنامه آفاق امنیت، سال هشتم، شماره ۲۸، ص ۱۶۱

با توجه و دقت در فصل های منشور سازمان ملل، این گونه بر می آید که مهم ترین وظیفه سازمان، برقراری صلح و عدالت در همه سطوح بین المللی است، ولی از سوابق سازمان در حل و فصل منازعات بین المللی مانند: مسئله خاورمیانه، هند، پاکستان، قبرس، سوریه، فلسطین، عراق، افغانستان و مسئله هسته ای ایران استنباط می شود که نه تنها این نهاد، نتوانسته به وظیفه خطیر خود عمل کند؛ بلکه خود به شدت تحت تاثیر منافع قدرت های بزرگ قرار داشته به مقتضای نظریات آنان با بحران های بین المللی به صورت های متفاوتی عمل می کند چرا که این عمل کرد، بازتابی از تمایلات قدرت های بزرگ به خصوص پنج کشور دارنده حق ویتو شورای امنیت این سازمان است. شورای امنیت سازمان ملل که رکن اصلی سازمان ملل و وظیفه آن برقراری صلح و امنیت جهانی است، دستمایه خواسته های قدرت های بزرگ شده و به اهرم فشار علیه دیگر کشورهای عضو سازمان تبدیل شده است تا جایی که حتا با توهم به خطر افتادن منافع یکی از کشورهای بزرگ در هر جایی دنیا شورای امنیت فوراً دست به کار می شود و قطعنامه های شدیدالحن صادر می کند. در مقابل نه تنها تهاجم به ملت های مظلوم در این نهاد جهانی، محکوم نه می شود؛ بلکه حتی اگر قرار باشد که قطعنامه ای هم صادر می شود با فشارهای سیاسی و یا حق ویتو رد می شود. بدین ترتیب اگر مظلومان در صدد دفاع از حق خویش برآیند چیزی به دست نخواهند آورد زیرا این سازمان به آله ای دست برای تأمین منافع کشورهای دایمالعضویت شورای امنیت مبدل گردیده است.^۱

در بخش موثریت پنج کشور دارنده حق ویتو شورای امنیت که از حیث نظامی از جمله کشورهای قدرتمند جهان محسوب می شود، رسیدن به یک توافق حقوقی-سیاسی (سازمان ملل متحد) میان اینها از جمله عنصر باز دارنده از ورود به یک جنگ جهانی بزرگ دیگر به شمار می رود. از طرفی چارچوب سیاسی اصلی امنیت بین المللی، ساختار آنارشیک است. شرایط سیاسی اساسی را که در آن همه معانی امنیت بین المللی باید ساخته شود، فراهم می کند. ساختار آنارشی بسیار با دوام است زیرا دولت ها در این ساختار به منظور حفظ استقلال و حاکمیت خویش اقداماتی اتخاذ و سپس موجبات پایداری نظام بین الملل را به طور خودکار مهیا می کنند. امروزه فضای امنیت بین المللی به مراتب پیچیده تر از دوران جنگ سرد و نظام دوقطبی است. درگیری های درون دولتی جایگزین کاهش تهدید جنگ جهانی شده است که ثبات و امنیت را چه در سطح داخلی و چه در سطح منطقه ای تضعیف می کند. چالش جدی نظام بین الملل، افزایش شمار دولت های ضعیف و حتی ورشکسته و ناتوانی آنها برای کنترل و مدیریت قلمرو و امور شخصی خویش است.^۲

۱ پایگاه اطلاع رسانی حوزه، سازمان ملل متحد و عمل کرد آن، تاریخ نشر ۱۳۸۷، مجله مبلغان، شماره ۱۰۸، تاریخ دسترسی

۱۷ حوت ۱۳۹۸، لینک انترنتی <https://hawzah.net/fa/Magazine/View/2689/6604/77076/>

۲ کاظم سجاد پور. سید محمد، آقا محمدی. زهرا، ص ۱۷۳

هرگاه در جهان اختلاف یا بحرانی به وجود می آید که صلح و امنیت بین المللی به مخاطره می افتد، اتفاق نظر اعضای دائمی شورای امنیت در استقرار آرامش بسیار تاثیر گذار است. با این حال، تعارض منافع قدرت های بزرگ و در نتیجه نا هماهنگی آنها در رفع موانع صلح از یک سو، و جامع نبودن مقررات منشور از سوی دیگر، گاه نظام منشور را مختل می کند و از آنجا که اعضای دائمی شورای امنیت تعهد تأمین مالی عملیات حفظ صلح سازمان ملل را بر عهده دارند، چنین ماموریت های عملا تابع اصولی دیگر می شود. بنا بر این، نمونه ای از این مؤثریت ها، دیدگاه اعضای دائمی شورا درباره عملیات حفظ صلح سازمان ملل متحد بر جهان را به گونه مثال ذکر می نمائیم:

الف) ایالات متحده آمریکا: ماموریت های حفظ صلح انجام گرفته توسط سازمان ملل، ابزاری برای امنیت ملی ایالات متحده آمریکا و اهداف سیاست خارجی این کشور است و با توجه به منافع چشم گیری که آمریکا از عملیات حفظ صلح سازمان ملل به دست می آورد و نیز با توجه به چالش های جدید و در حال رشد این ماموریت ها، ملت ها بیش از هر زمان دیگری توان حفظ صلح را می دهند. بنا به همین دلایل، ایالات متحده آمریکا باید مجددا بر تعهدات خویش در راستای حمایت هرچه بیشتر خود از عملیات حفظ صلح تأکید کند. در نتیجه، سیاست این کشور نسبت به عملیات حفظ صلح، به ویژه ماموریت های صلح بانی^۱ در قاره آفریقا، امر مهم و اساسی است؛ زیرا به نظر میرسد رویکرد آمریکا در قبال عملیات صلح بانی پس از جنگ سرد و پس از حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تغییر کرده است. یکی دیگر از دلایل این تغییر سیاست را می توان شکست مداخله های بشر دوستانه در اوایل دهه ۱۹۹۰م در سومالی دانست. از این رو، تغییر سیاست ایالات متحده آمریکا نسبت به عملیات حفظ صلح به صورت عدم تمایل این کشور به استقرار نیروهای نظامی خود در مناطق درگیر و استراتژی امنیت ملی آن در سال ۲۰۰۲ نمایان می شود.

ب) روسیه: دیدگاه روسیه در باره ماهیت و تکنیک های حفظ صلح و مدیریت منازعات تحت نظارت سازمان ملل و سایر سازمان های بین المللی، با بیش از ۲۵ سال تجربه در زمینه شرکت در عملیات حفظ صلح بین المللی، تکامل زیادی یافته است. اگر چه ورود روسیه به عملیات حفظ صلح سازمان ملل در سال ۱۹۷۳م از خاورمیانه بود. مشارکت فعال این کشور در حفظ صلح بین المللی پس از پایان دهه ۱۹۸۰م آغاز شد، هنگامی که تاریخ سیاسی و اصلاحات اقتصادی در اتحاد جماهیر شوروی آغاز شد و در روسیه ادامه پیدا کرد. روسیه از سال ۱۹۹۲م به بعد شروع به شرکت و هدایات عملیات حفظ صلح در خارج نزدیک به قلمرو

۱ اصطلاح صلح بانی برای مدت ها واژه مطلوب سازمان ملل متحد جهت توصیف عملیاتی بوده است که توسط صلح بانان این سازمان و بر اساس رضایت کلیه طرف های یک درگیری مسلحانه در کشور میزبان این نیروها انجام می شوند. صلح بانی در مفهوم سنتی آن به ماموریت هایی اطلاق شده است که سازمان ملل متحد به منظور حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین المللی در مناطق بروز درگیری های مسلحانه عهده دار می گردد و نیرو های نظامی بدون برخورداری از اختیار به کارگیری زور، در این مناطق حضور و فعالیت دارند.

اتحاد جماهیر شوروی سابق کرد. به رغم تحولات بعدی چهارچوب های سیاسی و حقوقی برای پیوستن نیروهای حافظ صلح تحت حمایت کشورهای مستقل مشترک المنافع، اکثریت کشورهای عضو از استقرار نیروهای حافظ صلح گسترده تر پشتیبانی نکرده اند. بدین ترتیب رهبران کشورهای غربی و مقامات نهادهای بینالمللی در تلاش اند تا با رهبران روسیه برای بحث و گفتگو درباره محدودیت های معقول رفتار نظامی روسیه در سایر کشورهای عضو مستقل مشترک المنافع^۱ را در اولویت قرار دهند و برای پیروی روسیه از اصول حفظ صلح و برقراری صلح اقداماتی انجام دهند.

(ج) چین: رویکرد چین به عملیات صلح بانی را به لحاظ تاریخی می توان به پنج مقطع تقسیم کرد:

۱. قبل از سال ۱۹۷۱م، محکومیت: در سال های قبل از عضویت چین در سازمان ملل، در حالی که کرسی نمایندگی چین در این سازمان در اختیار نماینده حکومت جزیره تایوان بود، پکن به شدت مخالفت خود را با عملیات حفظ صلح سازمان ملل ابراز می کرد. در این سال ها چین به سازمان ملل به عنوان ابزاری برای گسترش حوزه های نفوذ مرتبط با جنگ سرد ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی سابق می نگریست.
۲. سال های ۱۹۷۱-۱۹۸۰م مخالفت و عدم مشارکت: چین پس از پیوستن به سازمان ملل متحد در سال ۱۹۷۱م، در عملیات حفظ صلح، تا حد زیادی منفعل بود و همچنان این گونه ماموریت ها را محکوم می کرد و از کمک به آنها امتناع می ورزید.
۳. سال های ۱۹۸۱-۱۹۸۷م حمایت اندک: در اوایل دهه ۱۹۸۰م سیاست اصلاحات در چین به تغییر چشم گیری در سیاست خارجی این کشور انجامید. چین «سیاست خارجی مستقل صلح^۲» خود را معرفی کرد و از مبارزه ایدئولوژیکی با غرب دست برداشت و روابط مسالمت آمیز خویش را با جهان در اولویت قرار داد.
۴. سال های ۱۹۸۸-۲۰۰۰م افزایش حمایت: چین در نوامبر ۱۹۸۸م به عضویت کمیته ویژه عملیات حفظ صلح مجمع عمومی درآمد. پنج ماه پس از عضویت چین در این کمیته، سفیر چین بنام یومنگجیا^۳ خواستار حمایت هرچه بیشتر جامعه بین المللی از عملیات حفظ صلح سازمان ملل شد. چین در سال ۱۹۸۹م اولین گروه بیست نفره از ناظران غیر نظامی خود برای نظارت سازمان ملل بر انتخابات عمومی نامیبیا اعزام کرد. سال بعد، چین به مناسبت آغاز مشارکت رسمی خود در عملیات حفظ صلح سازمان ملل، به اعزام ناظران نظامی بر آتش بس

1 Commonwealth of Independent States (CIS)

2 Independent Foreign Policy of Peace

3 Yu Mengjia

سازمان ملل متحد^۱ مبادرت کرد. بدین ترتیب چین در سال های ۱۹۹۲م و ۱۹۹۳م، در نهاد انتقالی سازمان ملل در کامبوج^۲ و حمایت از ماموریت های مالی و سیاسی، نقشی کلیدی ایفا کرد.

۵. از سال ۲۰۰۰م الی اکنون، مشارکت فعال: درباره دیدگاه چینی ها در خصوص عملیات حفظ صلح سازمان ملل می توان این گونه اذعان کرد که دولت چین طی دو دهه گذشته به طور فزاینده ای به چنین ماموریت هایی با دید مثبت می نگرد؛ به طوری که از اوایل ۱۹۹۰م تا ۲۰۱۰م بیش از ۱۵۶۰۰ نفر را تحت پرچم سازمان ملل به هجده ماموریت جداگانه فرستاد. در نتیجه، توسعه ماموریت های دولت چین نه تنها می تواند از نظر تعداد سربازان شرکت کننده در عملیات بلکه در جهت شیوه های مشارکت نیز بررسی شود.

د) فرانسه: این کشور یکی از اعضای مؤسس سازمان ملل و عضو دایم شورای امنیت است نقش اصلی در بسیاری از موضوعات ایفا می کند. فرانسه نقش پیشرویی در همکاری با نیروهای صلح بانی سازمان ملل دارد؛ به طوری که در ۹ ماموریت از ۱۶ ماموریت صلح بانی سازمان ملل با ۱۱۵۹ پرسونل مشارکت دارد و ۷ درصد بودیجه این ماموریت ها را تأمین می کند. فرانسه در عملیات حفظ صلح سهم تعیین کننده ای دارد و پس از نشان دادن خود به عنوان قابل اعتمادترین شریک ایالات متحد آمریکا در شکل دهی نظم نوین جهانی پس از جنگ سرد نقش مهمی ایفا کرد (جنگ خلیج فارس، سومالی، بوسنی و هرزگوین). در بین اعضای دایم شورای امنیت فرانسه از نظر توزیع نیرو و شرکت در عملیات حفظ صلح سازمان ملل بعد از چین دومین جایگاه را دارد. مشارکت فرانسه در عملیات حفظ صلح به عنوان بخشی از منطق انتزاعی امنیت، دسته جمعی تلقی نمی شود و این کشور اهداف مادی و غیر مادی منافع ملی مانند ضرورت های امنیتی، تصویر از خود و اعتبار بین المللی را مد نظر قرار می دهد.

ه) انگلستان: سهم کلی انگلستان در عملیات حفظ صلح سازمان ملل، متناسب با وضعیتش به عنوان یک عضو دایمی شورای امنیت سازمان ملل و مطابق یافته های سال ۲۰۱۰م دفاع استراتژیک و بازنگری امنیتی^۳ است. انگلستان در کنار سایر دولت های حاضر در شورای امنیت سازمان ملل، به انجام اصلاحات در راستای یک عملیات حفظ صلح کارآمد تر ادامه خواهد داد تا با تضمین تلاش های سازمان ملل در خصوص احیای صلح و امنیت بین المللی، نقشی اساسی ایفا کند^۴.

1UN Truce Supervision Organization (UNTSO)

2UN Transitional Authority in Cambodia (UNTAC)

3Strategic Defense and Security Review (SDSR)

۴ کاظم سجاد پور. سید محمد، آقامحمدی. زهرا، جابجا شده در عنوان تاثیر پنج قدرت بزرگ شورای امنیت از آمریکا الی

انگلستان در مقاله حاضر، همان اثر، صص ۱۶۹-۱۷۲

با این حال، با بررسی تحولات صورت گرفته در عملیات حفظ صلح و پذیرش ورود این قوت به مداخلات بشر دوستانه، مجوز شورای امنیت در توسل به زور به موجب دکترین مسؤلیت حمایت می تواند سبب حفظ حقوق بشر در برابر جنایات بین المللی شود. این امر قطعاً دستاوردی جز حفظ صلح و امنیت بین المللی نخواهد داشت. این شورا برای برخورد با مخاصمات داخلی، عملیات پیچیده و نوآورانه حفظ صلح را از طریق کمیسیون تحکیم صلح سازمان ملل متحد مجاز دانسته است. کمیسیون تحکیم صلح با ۳۱ دولت که در ۲۰۰۶م عملیاتی شد، نهاد مشورتی جدیدی است که می کوشد با کشورها کمک کند تا مرحله انتقال از جنگ به صلح پایدار را بگذرانند و هدف آن جمع آوری تمامی عناصر مربوط به نهادینه سازی صلح، پیشنهاد استراتژی های یک پارچه برای تحکیم صلح و بازپروری پس از جنگ، کمک به تضمین تامین مالی قابل پیش بینی برای فعالیت های بازپروری زود هنگام و سرمایه گذاری مالی مستمر در دوره میان مدت تا بلند مدت است^۱.

مطالعات استراتژیک و منطقی

۱ سیف زاده، فرزانه، زمانی، سید قاسم، سواری، حسن، راعی دهقی، مسعود، (۱۳۹۶)، بررسی ماموریت های شورای امنیت در اعمال دکترین مسولیت حمایت، مجله پژوهش های حقوقی تطبیقی، دوره ۲۱، شماره ۱، ص ۶۲

بخش دوم

ترکیب سازمان ملل متحد

۱- شرایط و انواع عضویت

از لحاظ تاریخی اعضای سازمان ملل متحد را می توان به دو دسته تقسیم کرد:

- اعضای اصلی یا مؤسس
- اعضای جدید

الف - اعضای اصلی یا مؤسس^۱: اعضای اولیه سازمان ملل متحد به عنوان مؤسسين این سازمان ۵۱ کشور بودند که در کنفرانس سانفرانسیسکو شرکت داشته و قبل از آن اعلامیه ملل متحد را امضاء یا تصویب نموده و به دولت های محور (آلمان، جاپان و ایتالیا) اعلان جنگ نموده بودند.

ب - اعضای جدید: شرایط پذیرش اعضای جدید طبق ماده ۴ منشور برای عضویت اعضای جدید در سازمان ملل متحد قرار ذیل می باشد:

- دولت بودن
- صلح جو بودن
- قبول تعهدات منشور
- داشتن شایسته گی و توانایی اجرای تعهدات مندرج در منشور^۲

۲- ارکان سازمان ملل متحد

ماده هفت منشور ارکان اصلی سازمان ملل را چنین معرفی نموده است: "(۱) ارکان اصلی ملل متحد عبارت انداز: مجمع عمومی، شورای امنیت، شورای اقتصادی و اجتماعی، شورای قیمومیت، محکمه بین المللی عدالت و دارالانشاء. (۲) ارکان فرعی که ضروری تشخیص داده شود ممکن است بر طبق این منشور تأسیس گردد." منشور سازمان ملل به موجب ماده فوق میان ارکان اصلی و فرعی فرق گذاشته است، ارکان اصلی را در فقره اول به شکل انحصار تذکر داده است، از اینرو سازمان ملل به جز تعدیل منشور نمی تواند رکن اصلی

۱ برای آشنایی با فهرست کشورهای مؤسس سازمان ملل متحد رجوع کنید به ضمیمه شماره ۲

۲ موسی زاده، رضا، ص ۱۰۱

دیگری را در سازمان ایجاد نماید. این در حالیست که سازمان ملل به موجب فقره دوم ماده هفت، می تواند ارکان فرعی را در صورت ضرورت تأسیس نماید.^۱

۱-۲. ارکان اصلی سازمان ملل متحد:

ارکان اصلی سازمان ملل متحد عبارتند از:

- شورای امنیت
- مجمع عمومی^۲
- شورای اقتصادی و اجتماعی^۳
- دیوان بین المللی دادگستری^۴
- دبیر خانه^۵
- شورای قیمومت^۶

۱-۱-۲. شورای امنیت:

بر اساس ماده ۲۴ منشور شورای امنیت^۷ یکی از ارکان اصلی سازمان ملل متحد محسوب می شود که وظیفه مهم حفظ صلح و امنیت جهانی را بر عهده دارد. لازم به ذکر است که اعطای چنین مسئولیتی به شورای امنیت در طرح های پیشنهادی کنفرانس دامبارتن اوکس پیش بینی شده بود. البته این پیشنهاد ها توسط قدرت های بزرگ که در خلال جنگ جهانی دوم تأسیس یک سازمان بین المللی را در سر می پروراندند، صورت گرفته بود. در واقع آنچه که از ابتدای تأسیس سازمان ملل در قالب شورای امنیت مورد پیش بینی قرار گرفت عبارت بود از یک ارگان اجرایی کوچک با عمل کرد مداوم که قادر باشد به هنگامی که صلح و امنیت بین المللی مورد تهدید قرار گیرد اقدام به اتخاذ تصمیمات سریع و مؤثر نموده، میکانیزم اجبار کننده پیش بینی شده در فصل هفتم منشور را به کار اندازد.^۸

با آنهم، شورای امنیت طی تقریباً هفت دهه حیات خود در رفع اختلافات بین المللی و حفظ صلح و امنیت جهانی، آن گونه که ملل جهان انتظار داشتند، موفق نبوده است. شورای امنیت با برخورداری از اختیارات فوق دولتی، نتوانست عمده ترین نقش خود را که ثبات و امنیت جهانی است، ایفا نماید. وجود حق ویتو مانع

۱ زاهد. محمد اکبر، همان اثر ص ۹۵-۹۴

2 United Nations General Assembly (UNGA/GA)

3 United Nations Economic and Social Council (ECOSOC)

4 International Court Of Justice

5 United Nations Secretariat

۶ میراحسنی، منیرالسعادت . ص ۱۰۶

7 United Nations Security Council

۸ موسی زاده. رضا، همان اثر، ص ۱۱۶

بزرگ برای اتخاذ تصامیم سریع و مؤثر بوده، که باعث تضعیف سازمان گردیده است. ایالات متحده منادی بزرگ حقوق بشر، اغلباً به تنهای و یا با همراهی یک یا دو کشور متحد خود، عمدتاً قطعنامه های شورای امنیت را در خصوص محکوم کردن تجاوز، خلع سلاح، نادیده گرفتن حقوق بشر، ویتو نموده و به آنها رأی منفی داده است. به عنوان نمونه کلیه قطعنامه های شورای امنیت راجع به محکوم کردن عمل کرد اسرائیل به مخالفت امریکا روبرو گردیده است. از دید کشور های اسلامی (ایران و ترکیه) موضوع ترکیب و تعداد اعضای شورای امنیت مهم ترین بحث این گروه است و مشخصاً کشورهای اسلامی معتقد اند هر نوع تغییر و اصلاح در ساختار شورای امنیت سازمان ملل متحد باید با در نظر گرفتن سهم کشورهای جهان سوم و به خصوص کشورهای اسلامی همراه باشد.^۱

اعضای شورای امنیت به دو دسته تقسیم می گردد، اعضای دائمی: جمهوری خلق چین، فرانسه، روسیه، انگلستان و امریکا. اعضای دائمی از حق ویتو به عنوان یک امتیاز برخوردار هستند دلیل اعطای این امتیاز را به قول پروفیسور جساپ^۲ «باید در حقیقت انکار ناپذیر اختلاف قدرت میان این کشورها با سایر اعضا جستجو کرد به عبارت دیگر از آنجا که بار مسئولیت حفظ صلح و امنیت بین المللی در درجه اول بر عهده این کشورها قرار می گیرد تصمیم نهایی در خصوص چگونگی اجرای این مسئولیت نیز باید به آنها تعلق داشته باشد»^۳.

اعضای غیر دائمی: این اعضا از سوی مجمع عمومی برای ۲ سال انتخاب می شوند و به شش عضو محدود می شود. طبق ماده ۲۳ منشور، مجمع عمومی در انتخاب اعضای غیر دائمی در شورای امنیت باید معیارهای زیر را مورد توجه قرار دهد:

- به حفظ صلح، امنیت بین المللی و سایر اهداف سازمان کمک کند.
- توزیع عادلانه کرسی های شورا از لحاظ جغرافیایی باشد.

انتخاب اعضای غیر دائمی با اکثریت ۲/۳ آرای مجمع عمومی انجام می شود.^۴

۲-۱-۱-۱. نگاهی به حق ویتو

انگیزه اصلی این اقدام، حفاظت از صلح جهانی به وسیله کشورهای پیروز جنگ دوم جهانی بوده. آنان برای انجام این وظیفه خود را نیازمند در اختیار داشتن ابزاری می دانستند که با رأی شورای امنیت ملزم به

۱ زاهد. محمد اکبر، همان اثر، صص ۱۶۰-۱۵۹

2 Jessup

۳ موسی زاده، همان اثر، ص ۱۱۷

۴ موسی زاده، همان اثر، ص ۱۱۶

اقدامی نگردند که مخالف مصالح آنان باشند. و چنین مقرراتی را به وجود آوردند که به یک عضو دائمی اجازه می دهد تا در برابر هر اقدام شورای امنیت راجع به منازعاتی که خودش در آن درگیر است، و یا مصالح اش در خطر است، از حق ویتو استفاده کنند، و بدین ترتیب هر اقدام مخالف میل شان را مسدود سازند. استفاده از حق ویتو به هیچ وجه قابل توجیه نبوده، نه از دید جغرافیایی، نه از دید ایدئولوژیکی و نه هم نژادی، زیرا در استفاده از حق ویتو هیچ معیار به جز قدرت مد نظر گرفته نشده است، قابل تذکر است که از لحاظ ایدئولوژیکی مسلمانان که تعداد شان بیش از یک و نیم میلیارد است تا هنوز هیچ کرسی دائمی در شورای امنیت ندارند، همچنین از لحاظ جغرافیایی قاره افریقا تا هنوز از عضویت دائمی محروم اند، و از لحاظ نژادی و تعداد نفوس کشور هندوستان که تعداد نفوس شان بیش از یک میلیارد بوده تا هنوز موفق به کسب عضویت دائمی نشده اند. بناء عدالت به هیچ وجه در نظر گرفته نشده است که این امر خود به خود بازنگری دقیق را ایجاب می کند و بایست به مسلمانان در تفاهم با سازمان کنفرانس اسلامی به صورت مجموع حداقل یک کرسی دائمی در شورای امنیت داده شود. و همچنان پیشنهاد می شود که از قاره اروپا نباید دو کشور از این امتیاز والا برخوردار باشند^۱.

حق ویتو در شورای امنیت سازمان ملل متحد عبارت از حق است که به ۵ عضو دائمی شورای امنیت سازمان ملل متحد یعنی (ایالات متحده آمریکا، فرانسه، بریتانیا، روسیه پیش از ۱۹۹۱م اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیست و چین پیش از ۱۹۷۱م) تایوان) داده شده تا از تصویب هر پیش نویس در این شورا جلوگیری کنند. ویتو، اصطلاحی در زبان لاتین به معنای «منع می کنم» است. این واژه برای لغو یک طرفه یک قانون به کار می رود و به این ترتیب ویتو قدرت نامحدودی است که می تواند سبب جلوگیری از، تصویب تغییرات خاص شود. حق ویتو براساس اندیشه برتری صلح بر عدالت در اختیار ۵ عضو دائمی شورای امنیت قرار گرفته است. در منشور ملل متحد هرگز واژه ای به نام ویتو قید نشده است. بلکه لزوم جلب ۹ رای موافق از مجموع ۱۵ رای اعضای شورای امنیت که باید شامل ۵ رای موافق اعضای دائمی شورا باشد مطرح است. به این ترتیب مخالفت یکی از اعضای دائمی به معنای عدم تصویب قطعنامه و به اصطلاح "ویتو" ای آن است. حق ویتو تنها با رأی مخالف، تحقق پیدا می کند. رأی ممتنع و غیبت در جلسه، ویتو محسوب نمی شود. ویتو در مسائل شکلی نیز کاربرد ندارد هرچند تشخیص این که موضوعی شکلی یا غیرشکلی است خود امری غیرشکلی (ماهوی) است. حق ویتو مسئله ای بسیار مناقشه برانگیز در جریان تصویب منشور ملل متحد در

۱ زاهد. محمد اکبر، (۱۳۹۵)، همان اثر صص ۱۰۳-۱۰۲

سال ۱۹۴۵م بود و آمریکا و شوروی احتمالا به تشکیل سازمان ملل متحد بدون حق ویتو رضایت نمی‌دادند.^۱

اعضای دایمی شورای امنیت به طور نامساوی از حق ویتو استفاده نموده است، کشور شوروی بین سال های ۱۹۶۲-۱۹۴۶م، صد بار از این حق استفاده نموده است.^۲

واز سال ۱۹۶۲ الی ۱۹۸۹م، ۱۶ بار از این حق استفاده کرده است. از آنجا که کشور مذکور از ورود کشورهای طرف دار غرب در مجمع عمومی ترس داشت لذا تا سال ۱۹۶۲م برای مانع شدن از عضویت کشورهای بلوک غرب ۵۰ بار به حق ویتو متوسل شد. انگلستان و فرانسه عموماً برای آنکه یک قطعنامه ماهوی به تصویب شورا نرسد از ویتو استفاده کرده است. آمریکا به تنهایی هشت پیش نویس قطعنامه را در مورد مسئله فلسطین، سه قطعنامه را در باره تجاوز اسرائیل به لبنان در سال ۱۹۸۲م، یک قطعنامه را مربوط به اشغال جنوب لبنان توسط اسرائیل و یک قطعنامه مربوط به محکوم نمودن اسرائیل در حملات قبلی آن در ۱۹۷۷م را ویتو کرد. در مورد مسایل آمریکایی مرکزی، ایالات متحده در موارد زیر از حق ویتو استفاده کرده است: قطعنامه های مربوط به عملیات نظامی خود در هندوراس در سال ۱۹۸۲م، تجاوز به گرانادا در سال ۱۹۸۳م و ماین گذاری بنادر نیکاراگوئه در سال ۱۹۸۴م.^۳

تا پیش از سال ۱۹۹۱م نزدیک نیمی از موارد استفاده از ویتو توسط شوروی بود. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در ۱۹۹۱م آمریکا بیشترین استفاده را از حق ویتو کرده است. از زمان سقوط دیوار برلین در ۱۹۸۹م تا پایان سال ۲۰۰۴م در مجموع ۱۹ بار از ویتو استفاده شد.^۴

تعداد قطعنامه های ویتو شده از ابتدای تشکیل شورای امنیت تا سال ۲۰۰۸م به ترتیب عبارت بود از: ۱۲۳ مورد شوروی، ۸۱ مورد آمریکا، ۳۲ مورد انگلستان، ۱۸ مورد فرانسه، ۶ مورد چین^۵

موارد استفاده حق ویتو بین ۲۵ جنوری ۱۹۴۶م و ۳۱ دسامبر ۲۰۱۵م:

از سال ۱۹۴۶م تا سال ۱۹۹۱م:

۱ حق ویتو در شورای امنیت سازمان ملل متحد، ویکی-پدیا دانشنامه آزاد، تاریخ دسترسی ۱۹ حوت ۱۳۹۸، لینک اینترنتی <https://fa.wikipedia.org/wiki/>

۲ زاهد. محمد اکبر، همان اثر، ص ۱۰۱

۳ موسی زاده. رضا، همان اثر، ص ۱۳۱

۴ حق ویتو در شورای امنیت سازمان ملل متحد، ویکی-پدیا دانشنامه آزاد، تاریخ دسترسی ۱۹ حوت ۱۳۹۸، لینک اینترنتی <https://fa.wikipedia.org/wiki/>

۵ موسی زاده. رضا، همان اثر ص ۱۳۰

اتحاد جماهیر اشتراکیه شوروی: ۱۱۴ ویتو (۲ مورد قبرس، ۱ مورد بوسنی و هرزگوین، ۱ مورد میانمار و ۱ مورد جمهوری خود مختار کریمه)

ایالات متحده آمریکا: ۶۹ ویتو (۱۱ مورد مربوط به خاورمیانه و مسائل مرتبط به اسرائیل؛ آمریکا همه قطعنامه های ضد اسرائیل را به جز یکی ویتو کرده و به یک از آنها رای ممتنع داده است، ۱ مورد بوسنی و هرزگوین و ۱ مورد در جریان حمله ایالات متحده آمریکا به پاناما)

بریتانیای کبیر و ایرلند شمالی: ۳۰ ویتو

فرانسه: ۱۸ ویتو

جمهوری خلق چین: ۳ ویتو (یکی آن در مورد قضیه ای تایوان در سال ۱۹۵۵ م به کار رفت)

جمعا: ۲۳۴ ویتو از سال ۱۹۴۶ م تا سال ۱۹۹۱ م

از سال ۱۹۹۱ م تا سال ۲۰۱۵ م:

فدارسیون روسیه: ۱۳ ویتو

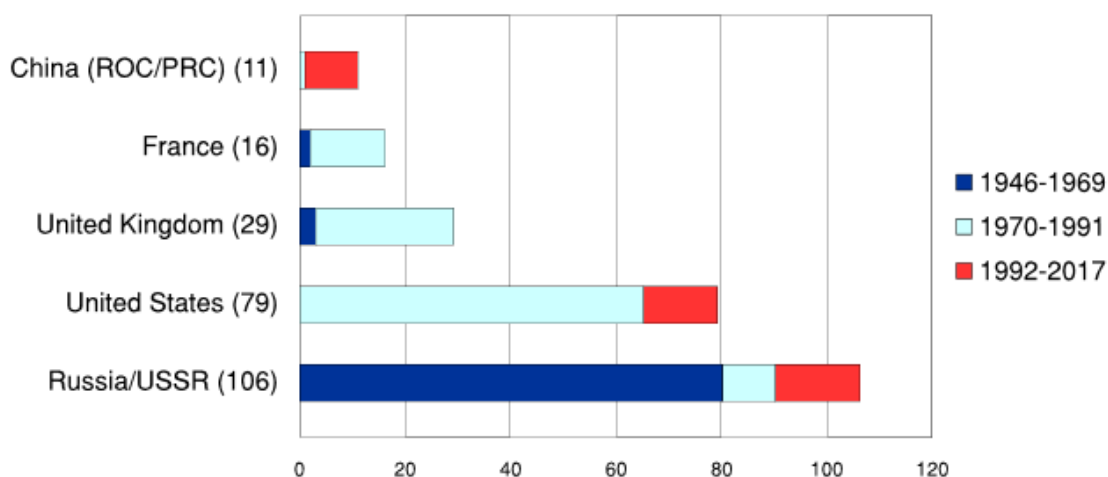
ایالات متحده آمریکا: ۱۴ ویتو

بریتانیای کبیر و ایرلند شمالی: صفر ویتو (بریتانیا از سال ۱۹۸۹ (میلادی) هیچ قطعنامه ای را ویتو نکرده است. همچنین از سال ۱۹۷۰ م از حق ویتو برای قطعنامه های مربوط به خود استفاده نکرده است)

جمهوری خلق چین: ۸ ویتو ، جمعا: ۳۵ ویتو از سال ۱۹۹۱ م تا سال ۲۰۱۵ م^۱

از سال ۱۹۴۶ م تا سال ۲۰۱۷ م پنج عضو دائمی شورای امنیت سازمان ملل متحد مهم ترین قطعنامه های را که ویتو کرده اند عبارت از:

۱ سفارت فرانسه در افغانستان، فرانسه و شورای امنیت سازمان ملل متحد، تاریخ نشر ۲۰۱۶/۶/۱۶، وبسایت، www.franceonu.orgwww.diplomatie.gouv.fr ، جایجا شده در عنوان حق ویتو از سال ۱۹۴۶ الی ۲۰۱۵ م در مقاله حاضر، لینک موضوع <https://af.ambafrance.org/>



روسیه: لبنان و سوریه (۱۶ فبروری ۱۹۴۶م)، مسئله اسپانیا (۱۸ جون م ۱۹۴۶)، عضویت ایتالیا و اتریش (۲۱ اگوست ۱۹۴۷م)، مسئله فلسطین (۲۹ مارچ ۱۹۵۴م)، وضعیت در جنوب شرق آسیا و اثرات آن بر صلح و امنیت چین و مناقشه مرزی ویتنام (۱۶ مارچ ۱۹۷۹م)، میانمار (۱۲ جنوری ۲۰۰۷م)، جنگ داخلی سوریه (۱۹ جولای ۲۰۱۲م) و خاورمیانه (۱۷ نوامبر ۲۰۱۷م).

ایالات متحده آمریکا: مسئله وضعیت در رودزیای جنوبی توجه: تا هنوز من کشوری را به این نام نشنیده ام شاید کوربای جنوبی و یا آفریقایی جنوبی باشد (۱۷ مارچ ۱۹۷۰م)، صلح و امنیت در آمریکا لاتین (۲۱ مارچ ۱۹۷۳م)، روابط سازمان ملل با آفریقایی جنوبی (۳۰ اکتبر ۱۹۷۴م)، مسئله خاورمیانه من جمله منازعه اسرائیل و فلسطین (۲۶ جنوری ۱۹۷۶م)، خاورمیانه از جمله مسئله فلسطین (۱۸ دسامبر ۲۰۱۷م)

بریتانیا: مسئله فلسطین (۳۰ اکتبر ۱۹۵۶م)، مسئله وضعیت در رودزیای جنوبی؟ (۱۳ سپتامبر ۱۹۶۳م)، وضعیت در نامیبیا (۶ جون ۱۹۷۵م)، مسئله آفریقای جنوبی (۳۱ اکتبر ۱۹۷۷م)، حمله ایالات متحده آمریکا به پاناما (۲۳ دسامبر ۱۹۸۳م).

فرانسه: مسئله فلسطین (۳۰ اکتبر ۱۹۵۶م)، وضعیت در کومور مخصوصا حاکمیت فرانسه بر جزیره مایوف و مداخله اش در فراندوم استقلال کومور (۶ فبروری ۱۹۷۶م)، مسئله آفریقای جنوبی (۳۱ اکتبر ۱۹۷۷م)، وضعیت در عمان و سوریه (۲۱ اپریل ۱۹۸۶م)، وضعیت در لیبیا و بحرین (۱۱ جنوری ۱۹۸۹م).

چین: عضویت اعضای جدید بنگله دیش (۲۵ اگوست ۱۹۷۲م)، امریکای مرکزی «تلاش ها در جهت صلح» (۱۰ جنوری ۱۹۹۷م)، وضعیت در جمهوری سابقا یوگوسلاویا مقدونیه (۲۵ فبروری ۱۹۹۹م)،

میانمار (۱۲ جنوری ۲۰۰۷م)، صلح و امنیت افریقا-زیمبابوی (۱۱ جولای ۲۰۰۸م)، جنگ داخلی سوریه (۹ جولای ۲۰۱۲م)، خاورمیانه (۵ دسامبر ۲۰۱۶م)^۱

انتقادات و اصلاح ساختار غیر دموکراتیک شورای امنیت و اینکه تنها، پنج کشور جهان حق تعیین سرنوشت و تصمیم‌گیری برای دیگر کشورها را داشته باشند همیشه مورد اعتراض بسیاری از کشورها بوده و است. کوفی عنان در نخستین گزارش خود در جایگاه دبیرکل سازمان ملل متحد درخواست انجام اصلاحات در شورای امنیت را داد. در گفتگوهای پس از آن، شماری از کشورها پیشنهاد کردند که به جای حذف حق ویتو، شرایط استفاده از ویتو محدود شود و استفاده از آن در مورد کشتار جمعی، جنایات علیه بشریت و جنایت جنگی غیر ممکن شود. همین طور بسیاری از کشورها معتقدند که اعضای دائمی شورا حق ندارند قطعنامه‌های مربوط به مسائلی را ویتو کنند که خود، یکی از طرفین درگیر در آن هستند. به علاوه، تصمیم‌گیری در شورای امنیت در صورتی متوقف شود که مخالفت با آن نه از سوی یک عضو، بلکه از طرف دو عضو دائمی شورای امنیت باشد. مشکلات در فراروی اصلاحات این هستند که این تغییرات باید به تصویب خود اعضای دائمی شورای امنیت برسد و از سوی دیگر کشورهای جهان، توافقی برای ساختار کنونی و جایگزین شورای امنیت ندارند.^۲

۲-۱-۱-۲. دلایل مخالفین حق ویتو^۳

- حق ویتو مخالف اصل تساوی حاکمیت کلیه اعضا که در بند ۱ ماده ۲ منشور پیش بینی شده است و می باشد.
- با پذیرفتن حق ویتو هر گونه اقدام از طریق شورای امنیت علیه اعضای دائمی غیر ممکن می شود. چنانچه یکی از اعضای دائمی شورا «نقض صلح» و یا «اقدام تجاوزکارانه» کند، کشور مذکور می تواند با استفاده از حق ویتو مانع از هر گونه تصمیم‌گیری شورا علیه آن کشور شود به عنوان نمونه می توان به وقایع زیر اشاره کرد:
 - ۱- در قضیه مجارستان در سال ۱۹۵۶م دولت اتحاد جماهیر شوروی با مداخله در این کشور و سرنگون کردن دولت «ایمره ناگی» حاکمیت این کشور را آشکارا نقض کرد.

۱ فهرست قطعنامه‌های ویتو شده شورای امنیت سازمان ملل متحد، ویکی-پدیا دانشنامه آزاد، تاریخ دسترسی ۲۱ حوت، ۱۳۹۸، جابجا شده در عنوان قطعنامه‌های ویتو شده از سال ۱۹۴۶ الی ۲۰۱۷م در این مقاله، <https://fa.wikipedia.org/wiki/>

۲ حق ویتو در شورای امنیت سازمان ملل متحد، ویکی-پدیا دانشنامه آزاد، تاریخ دسترسی ۱۹ حوت ۱۳۹۸، لینک اینترنتی <https://fa.wikipedia.org/wiki/>

۳ حق ویتو در منشور در واقع یک نوآوری نسبت به جامعه ملل محسوب می شود، زیرا در جامعه ملل تصمیم‌گیری بر اساس «اجماع» صورت می گرفت و این خود نوعی حق ویتو بود.

به دنبال این واقعه کمیته ویژه ای در سازمان ملل متحد تشکیل شد ولی اجازه نیافت به مجارستان برود و شورای امنیت درصدد صدور قطعنامه ای علیه شوروی بود که با ویتو آن کشور از هر گونه اقدامی بازماند.

۲-۲ در مسئله تجاوز شوروی به افغانستان (دسامبر ۱۹۷۸م) شورای امنیت طرح قطعنامه ای را مورد بررسی قرار داد که در آن دخالت شوروی در افغانستان محکوم شده بود. این قطعنامه توسط اتحاد شوروی در داخل شورای امنیت ویتو شد.

۳- در قضیه تجاوز نظامی آمریکا به گرانادا در سال ۱۹۸۳م نیز شورای امنیت قطعنامه ای در محکومیت آمریکا تنظیم کرد ولی این قطعنامه با ویتو این کشور مواجه شد.

۴- کشورهای فرانسه، انگلستان و آمریکا قطعنامه اخراج افریقایی جنوبی از سازمان ملل متحد را در سال ۱۹۷۴م ویتو کرد.^۱

۵- ایالات متحده آمریکا سه قطعنامه درباره تجاوز اسرائیل به لبنان را در سال ۱۹۸۲م ویتو کرد.^۲

۲-۲. مجمع عمومی

مجمع عمومی مهم ترین " رکن تبادل نظر و مشورتی " سازمان ملل متحد است که با شرکت کلیه اعضای سازمان تشکیل می شود. هریک از اعضا می تواند حداکثر پنج نماینده در مجمع داشته باشد که مجموعاً دارای یک رأی خواهند بود. مجمع عمومی به عنوان مجلس جهانی محل ابراز عقاید متفاوت اعضای جامعه بین المللی است. مجمع عمومی مرکب از نمایندگان کلیه کشورهای عضو با اختیارات وسیعی که به موجب مواد ۱۰ تا ۱۷ فصل چهارم منشور کسب کرده است، با توجه به مسایل متعدد و متنوعی که در اجلاس های مجمع مورد بحث و گفتگو قرار می گیرد این رکن عملاً مظهر وجدان جهانی به شمار می آید.^۳ در مجمع عمومی، تصمیم گیری در مورد مسایلی از قبیل صلح و امنیت بین المللی، پذیرش اعضا جدید و بودجه سازمان ملل متحد با اکثریت دو سوم آراء صورت می گیرد. موارد دیگر نیازمند تنها یک اکثریت ساده است. لسان رسمی و کار در مجمع عمومی و کمیته های فرعی آن عربی، انگلیسی، فرانسوی، هسپانوی، چینیایی و روسی میباشد. سخنرانی ها در مجمع عمومی باید به این شش زبان ترجمه شود. در اثنای جلسات مجمع عمومی روزنامه و یا صورت جلسه باید به لسان های مجمع تحریر و طبع گردد. ناگفته نماند مصارف کلیه اسناد سازمان ملل متحد به زبان های رسمی به عهده خود سازمان بوده است، به استثنای اسنادی که به زبان عربی انتشار می یابد، زیرا مصارف طبع و نشر آن توسط کشورهای عربی پرداخته می شود. قابل تذکر

۱ برای دانستن این موضوع به ضمیمه شماره ۱ رجوع نمایید.

۲ موسی زاده، رضا همان اثر؛ ص ۱۳۲

۳ موسی زاده، رضا همان اثر صص ۱۴۶-۱۴۳

است که سازمان ملل با سایر کمی و کاستی های که دارد، نقش جهان اسلام را با رسمیت شناختن لسان عربی به عنوان لسان رسمی و کاری از نظر انداخته، و عدالت و تساوی بین المللی را در وضع اساسات، اصول و اهدافش رعایت نکرده است. بناء هیچ وقت نمی توان گفت که سازمان ملل سازمانیست که بر مبنای اصل تساوی حاکمیت و حقوق ملت های آزاد جهان ایجاد گردیده است، بلکه یک عده کشورهای زورگو و پر نفوذ در زمان جنگ جهانی دوم، جهت ایجاد تعادل در قدرت و آرام ساختن وضع بحرانی همان وقت، دست به ایجاد این سازمان زدند که در آن تساوی حقوق خویش را تثبیت نموده و حقوق سایر ملت ها را پایمال نمودند. برای تقویت نقش مجمع، لازم است مجمع عمومی همانند: پارلمان های جهان بر سایر ارگان های سازمان ملل نظارت همه جانبه داشته باشد و مجمع عمومی بتواند نسبت به گزارش های شورای امنیت و یا منشی عمومی نظری تحلیلی و منتقدانه داشته باشد.^۱

۲-۳. دارالانشاء

دارالانشاء یکی از ارکان اصلی سازمان ملل بوده که به صراحت ماده ۹۷ منشور: "دارالانشاء از یک منشی عمومی و کارمندان مورد نیاز سازمان تشکیل می گردد. منشی عمومی توسط مجمع عمومی بنا بر توصیه شورای امنیت تعیین می گردد." به موجب صراحت ماده ۹۷ منشور، منشی عمومی عالی ترین مقام اداری سازمان است که ریاست دارالانشاء را نیز به عهده دارد. کسانی که به عنوان منشی عمومی انتخاب می گردند نمی توانند از هیچ دولتی به شمول دولت متبوع خویش نمایندگی کنند و یا دستور و هدایات آن را دریافت نمایند. بلکه تنها و تنها برای سازمان ملل متحد ایفای وظیفه می نمایند، کارمندان دارالانشاء نیز تابع این حکم اند. انتخاب منشی عمومی از جمله موضوعات خیلی مهم در سازمان به شمار می رود. از اینرو منشی عمومی توسط مجمع عمومی بنا بر توصیه شورای امنیت تعیین می گردد. در رابطه به وظیفه اداری منشی عمومی، ماده ۹۸ منشور چنین مقرر می دارد: "منشی عمومی در این سمت در تمام جلسات مجمع عمومی، شورای امنیت، شورای اقتصادی و اجتماعی و شورای قیمومیت انجام وظیفه خواهد کرد و کلیه وظایف دیگری را که ارکان مذکور به او محول نمایند انجام خواهد داد. منشی عمومی گزارش سالانه ای در باره کار سازمان به مجمع عمومی خواهد داد." علاوه بر وظایف اداری و اجرایی وظیفه سیاسی را نیز به عهده دارد، که به موجب آن منشی عمومی می تواند نقش بسیار مهمی را در سیاست بین الملل ایفا کند. کارمندان دارالانشاء از مصونیت قضائی، مالی و معافیت از اجرای خدمت عسکری برخوردار هستند.^۲ از دید کشورهای اسلامی، ایجاد نظم و انضباط در دارالانشاء و جلوگیری از انجام مجدد کارها و بیروکراسی بی مورد و کاهش هزینه های اداری، ضرورت به ایجاد و یا داشتن یک دارالانشاء کارآمد و مؤثر دیده می شود و

۱ زاهد. محمد اکبر، همان اثر، ص ۱۱۲

۲ زاهد. محمد اکبر، همان اثر صص ۱۳۶-۱۳۵

اصلاحات مدیریتی و پرسونلی با در نظر گرفتن اصل توزیع عادلانه جغرافیایی و افزایش نمایندگی کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه در دارالانشاء آورده شود.^۱

۲-۴. شورای اجتماعی و اقتصادی سازمان ملل متحد

یکی از ارکان اصلی سازمان ملل متحد که مسؤلیت توجه و رسیدگی به امور اجتماعی، اقتصادی و امور بشر دوستانه را به عهده دارد، شورای اجتماعی و اقتصادی سازمان ملل است. این شورا هر سال تعدادی جلسات سازمانی برای برنامه ریزی و تهیه دستور کار و یک نشست محتوایی جهت بررسی مسایل در دستور کارش تشکیل می دهد. تعداد اعضای این شورا ۵۴ نفر است که از بین پنج منطقه جغرافیایی سازمان ملل برای یک دوره سه ساله توسط مجمع عمومی انتخاب می شوند.^۲

۲-۵. دیوان بین المللی دادگستری:

رکن اصلی قضایی سازمان ملل متحد است. این دیوان ۱۵ قاضی دارد که آن ها را مجمع عمومی ملل متحد و شورای امنیت به طور مشترک برای مدت نه سال انتخاب می کنند. هر سه سال پنج کرسی قضاوت خالی می شود و پنج قاضی دیگر به جمع قضات اضافه می شوند. اساسنامه دیوان جزء لاینفکی از منشور ملل متحد است. مقر این دیوان شهر لاهه در کشور هلند است.^۳

در حقوق داخلی، معمولا نظام کامل حل و فصل اختلاف وجود دارد که در آن نهادهایی مسئول اجرای احکام هستند و اجرای آرا را تضمین می کنند. اما در عرصه بین المللی، سازوکار های نهادینه شده ای در این راستا وجود ندارد و دادگاه ها و دیوان های بین المللی در بعد اجرای احکام، ساختار ضعیفی دارند. در خصوص اجرای احکام دیوان بین المللی دادگستری، موضوع قابل توجه این است که دیوان معمولا وارد مسایل اجرایی بعد از صدور حکم نمی شود. در واقع، دیوان از لحظه ای که حکم نهایی را صادر می کند فارغ می شود و در راستای اجرا و اعمال حکم، کاری برای انجام ندارد. آرای مشورتی دیوان، الزام آور نیست. قضایایی که در آن ها احکام دیوان، به شکل عمدی و آشکار زیر پا گذاشته شد عبارت اند از: کانال کورفو (۱۹۴۶م)، کارکنان کنسولی و دیپلماتیک امریکا در تهران (۱۹۸۰م)^۴، نیکاراگوئه (۱۹۸۶م). لازم به ذکر است که قضیه کانال کورفو، نهایتا با یادداشت تفاهمی که در سال ۱۹۹۲م امضا و در سال ۱۹۹۶م اجرا شد،

۱ آقای. سید داود، ۱۳۸۱، ایران و سازمان های بین المللی، نشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی ص ۹۳ و زاهد. محمد اکبر، همان اثر، ص ۱۶

۲ مجله اقتصادی- ماهنامه بررسی مسایل و سیاست های اقتصادی، همان اثر، ص ۱۰۶

۳ مجله اقتصادی- ماهنامه بررسی مسایل و سیاست های اقتصادی، همان اثر، ص ۱۰۷

۴ در این پرونده که مربوط به بازداشت کارکنان سفارت آمریکا در تهران بود، ایران قرار تأمینی دیوان، مورخ ۱۵ دسامبر سال ۱۹۷۹م را مبنی بر ضرورت آزادی فوری دیپلمات ها اجرا نکرد و از اجرای حکم نهایی دیوان به تاریخ ۲۴ می سال ۱۹۸۰م نیز خودداری کرد.

فیصله یافت. حال آنکه ۴۷ سال از زمان صدور حکم نهایی گذشته بود. در این میان، رأی گابیچکاوو- ناگیماروس هنوز جامه عمل نپوشیده است. این رأی که در سال ۱۹۹۷م صادر شد تا کنون اجرا نشده و طرفین نتوانسته اند از این رأی در حل اختلاف خود استفاده کنند. آرای لاگران و اونا نیز اجرای ضعیفی داشته اند و اجرای آن ها هنوز هم در هاله ای از ابهام است. هر دو قضیه مذکور، راجع به عدم اجرای کنواسیون «روابط کنسولی» از سوی ایالات متحده امریکا بود. در هر دو قضیه اونا و لاگران، احکام نهایی دیوان، امریکا را ملزم کرد تا تعهدات مربوط به تشریفات آیین دادرسی را در خصوص اتباع خارجی که در خاک امریکا مرتکب جرم شده اند رعایت کند. با این اوصاف به علت مخالفت دیوان عالی امریکا، احکام مذکور نتوانست از اجرای تمام و کمال برخوردار شود. در بسیاری از موارد، از جمله در پرونده های زیر، قرارهای دیوان اجرا نشده است: دعوی انگلیس علیه ایران در قضیه شرکت نفت ایران و انگلیس، دعوی آسترالیا و نیوزلند علیه فرانسه در قضیه آزمایش های هسته ای، دعوی نیکاراگوئه علیه امریکا، دعوی یونان علیه ترکیه در قضیه فلات قاره دریای اژه، دعوی امریکا علیه ایران در قضیه کارکنان دیپلماتیک و کنسولی در تهران، پرونده مربوط به معاهده راجع به جلوگیری و مجازات جرم نسل کشی.^۱

برخی دولت های افریقایی دادگاه کیفری بین المللی را متهم کرده اند که نسبت به کشورهای این قاره تبعیض قایل می شود و در مقایسه با سایر قاره های جهان سخت گیری بیشتری نسبت به تخلفات در افریقا نشان می دهد. بروندی نام این کشور برایم ناآشناست بهتر است که در موردش بیشتر توضیح داده شود؛ احتمال دارد که برای خواننده گان دیگر نیز این نام ناآشنا باشد در ۲۷ اکتوبر به طور رسمی از دیوان کیفری بین المللی خارج شد. تصمیم خروج این کشور از دیوان لاهه در پی اعلام این دادگاه مبنی بر تحقیق و بررسی در موضوع سرکوب سیاسی و اقدامات خشونت بار در این کشور، صورت گرفت. بروندی نخستین کشوری است که دادگاه کیفری بین المللی را ترک کرده است.^۲

۲-۶. شورای قیمومیت

شورای مذکور یکی از ارکان اصلی سازمان ملل است که غرض نظارت بر اداره سرزمین های تحت قیمومیت ایجاد گردیده است. قبل از این نظام در جامعه ملل نظام سرپرستی در برابر برخی از کشورها اعمال می شد. در نظام سرپرستی یک تعداد کشورها تحت سرپرستی دولت های فاتح قرار گرفتند و دولت های سرپرست در مورد نحوه اداره سرزمین های تحت سرپرستی در مقابل جامعه ملل مسؤول بودند. در حال حاضر سرزمین

۱ ایزدی. علی، (۱۳۹۵)، بررسی تاریخی و تحلیلی اجرای احکام دیوان بین المللی دادگستری، تهران، مجله حقوقی بین المللی، شماره ۵۴، تاریخ دریافت ۱۳۹۸/۱۱/۱۳، صص ۱۹۴-۱۹۳

۲ کرامی. کاوه، (۱۳۹۶)، دیوان کیفری بین المللی چه می کند؟، بی بی سی فارسی، تاریخ دسترسی ۱۳۹۸/۱۱/۱۳، وبسایت

[www.bbc.com](https://www.bbc.com/persian/world-42109306)، لینک دسترسی به موضوع <https://www.bbc.com/persian/world-42109306>

تحت قیمومیت وجود ندارد، آخرین سرزمین تحت قیمومیت کشور پالو بود، کشور مذکور به تاریخ یک اکتوبر سال ۱۹۹۴م استقلالیت خویش را به دست آورد. سپس شورای قیمومیت به تاریخ یک نومبر سال ۱۹۹۴م عمل کردهای خویش را به حالت تعلیق درآورد. و با صدور قطعنامه ای به تاریخ ۲۵ ماه می سال ۱۹۹۴م شورای قیمومیت لایحه داخلی خود را نیز تغییر داد. بالاخر تغییر جدید شورای قیمومیت بر حسب ضرورت بنا به درخواست رئیس شورا، اکثریت اعضای شورا، مجمع عمومی و یا شورای امنیت تشکیل می دهد.^۱

مرکز مطالعات استراتژیک و منظوقی

۱ زاهد. محمد اکبر، همان اثر، ص ۱۲۳-۱۱۸

بخش سوم

دستاوردها، ناکامی‌ها و بررسی عوامل ناکارآمدی سازمان ملل متحد

۱- موفقیت‌ها و دستاوردهای مهم سازمان ملل متحد:

امور سازمان ملل متحد توسط شش نهاد اصلی و خانواده‌ای از سازمان‌ها شامل ۱۵ کارگزار، ۲۴ برنامه و سایر تشکیلات تخصصی انجام می‌پذیرد. در سال ۲۰۱۰م صندوق کودکان ملل متحد (یونیسف) ۵،۲ میلیارد دوز واکسین خریداری و آنها را در ۹۹ کشور توزیع کرد، این مقدار به ۵۸ درصد کودکان جهان رسید. دفتر کمیساریای عالی امور پناهندگان^۱ کمک‌ها و حمایت‌ها را برای بیش از ۳۶ میلیون پناهنده و آواره در سراسر جهان فراهم می‌کند. نظام ملل متحد در ایجاد استانداردهای فنی مخابرات، هواپیمایی غیرنظامی، حمل و نقل و خدمات پستی دخیل است و زمینه داد و ستد‌های بین‌المللی را میسر کرده است. سازمان ملل متحد و کارگزاری تخصصی‌اش، سازمان بهداشت جهان^۲، برای ایمن‌سازی همگانی در برابر بیماری‌های دوران کودکی مبارزه می‌کنند. در نتیجه این اقدامات، چیچک^۳ ریشه کن شده و موارد فلج اطفال ۹۹ درصد کاهش یافته است. برنامه جهانی غذا، در خط مقدم سازمان ملل متحد برای سازماندهی کمک‌های غذایی به طور متوسط ۳،۷ میلیون تن غذا را در کشورهای مختلف در سال ارسال می‌کند که تنها در سال ۲۰۱۱م به حدود ۹۰ میلیون نفر در ۷۳ کشور جهان از توزیع مواد غذایی مستفید شده‌اند. در طول دهه گذشته بانک جهانی، از طریق انجمن توسعه بین‌المللی^۴ به نجات جان حداقل ۱۳ میلیون تن کمک کرده است. تأمین مالی انجمن توسعه بین‌المللی ۳۱۰ میلیون کودک را ایمن ساخته (توجه: از چه ایمن ساخته؟) و دسترسی به آب تصفیه را برای ۱۷۷ میلیون نفر میسر کرد. سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) تا پایان سال ۲۰۱۱م ۹۳۶ مکان تاریخی را در فهرست میراث جهانی خود قرار داده است. توجه: در این جا تعریف درست تر و عام فهم تر از میراث جهانی درج گردد. حدود ۱۲۰۰۰۰ سرباز، افسر پولیس، داوطلب و پرسونل غیر نظامی در خدمات عملیات صلح سازمان ملل متحد در مکان‌های مختلف جهان امروز قرار دارند. آنان امنیت و پیش‌تنبانی ضروری را برای میلیون‌ها نفر از مردم در چهار قاره فراهم می‌کنند. در عرصه امنیت بین‌المللی سازمان ملل متحد از زمان ایجاد، در انعقاد بیش از ۱۷۰ موافقت‌نامه صلح کمک کرده است.^۵

¹ UNHCR

² WHO

³ مرض چیچک در فارسی-ایرانی بنام آبله و در انگلیسی بنام Chicken Pox یاد می‌گردد.

⁴ IDA

⁵ United Nations ATA Glance pdf 25/10/2019 pages 19, 85

البته قابل انکار نیست که سازمان ملل در راستای دفاع از آزادی ها و حقوق اولیه انسانی تلاش های فراوانی کرده است که از آن جمله می توان به اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸م، دو معاهده بین المللی سال ۱۹۶۶م، و توافق نامه های اختصاصی در موضوعات مختلف مانند ممنوعیت انواع نژادپرستی در سال ۱۹۶۵م و دفاع از حقوق کودکان در سال ۱۹۱۹م یادآوری کرد. این سازمان همچنین نقش فعال در زمینه گسترش دموکراسی ایفا می کند(توجه:در مورد گسترش دموکراسی نیز این سازمان گام های کشورهای قدرت مند از جمله آمریکا، روسیه، فرانسه، آلمان، انگستان، چین و غیره را تعقیب می کند که نمونه های فراوان آن را می شود در کشورهای ضعیف دنیا از جمله افغانستان مشاهده کرد.) که نشر فرهنگ انتخابات و نهادینه کردن آن و نیز نظارت بر انتخابات در کشور های مختلف از آن جمله است.^۱

۲- ناکامی های سازمان ملل متحد

امروز بسیاری از کارشناسان بر این باور اند که سازمان ملل متحد در دستیابی مهم ترین هدف خویش، یعنی حفظ صلح و امنیت بین المللی ناکام مانده است. هنگام تأسیس سازمان ملل متحد پس از جنگ جهانی دوم به منظور جلوگیری از شکست و ناکارآمدی آن، روح واقع گرایی را در کالبد آرمان گرایانه سازمان ملل متحد دمیدند. سازمان ملل متحد برخلاف همتای سلف خویش منحل نشده است و اکنون ۷۴ سال از تأسیس آن می گذرد. اما این سازمان نیز نتوانسته است کارکردهایش را با موفقیت انجام دهد. آیا علت عدم موفقیت این سازمان همان گونه که واقع گرایان کلاسیک اعتقاد دارند ناکارآمدی ذاتی سازمان های بین المللی در ایجاد همکاری بین کشورها و از بین بردن جنگ و نا امنی بوده است؟ یا باید بر اساس تفکرات اندیشمندان لیبرال، انحراف سازمان ملل متحد از اصول آرمان گرایی را عامل شکست این سازمان دانست؟ با این وجود تحولات پس از جنگ سرد جان تازه ای به اندیشه های لیبرالیستی بخشید و بسیاری بر این امید بودند با تحولات رخ داده، سازمان ملل نیز جایگاه خود را در حفظ صلح و امنیت در عرصه بین المللی باز یابد. البته نباید موفقیت های(هر چند اندک) این سازمان در تأمین امنیت جهانی نادیده انگاشت، اما با این وجود در مجموع این سازمان نتوانسته است نقش چندان مؤثری را ایفا نماید. به گونه ای که برخی اندیشمندان نئوایدی آلیست بحث بحران کارکرد سازمان ملل را در ابتدای قرن حاضر مطرح کردند. این انتقادات به خصوص پس از حمله امریکا به افغانستان و عراق و عدم موفقیت سازمان ملل متحد در حل این بحران بسیار شدت گرفته است. اما به نظر می رسد عوامل اصلی این نارسایی ها و بحران سازمان ملل همچنان پا برجا هستند. ولی مهم ترین این عوامل را می توان چنین اشاره کرد: تحول در ساختار نظام بین الملل، تغییر و تحول بازیگران این عرصه، تحول مفهوم امنیت و عدم انطباق سازمان ملل متحد با این

۱ منوری. محمد، (۱۳۹۶)، بررسی عوامل ناکارآمدی سازمان ملل، مرکز مطالعات راهبردی النبأ، تاریخ دسترسی ۱۱/۱۳/

۱۳۹۸، لینک انترنتی <https://pe.annabaa.org/news/1705>

تغییرات و نیز نقش یک جانبه گرایی امریکا و دموکراتیک نبودن ساختار سازمان ملل مخصوصا مهم ترین بخش تصمیم گیرنده یعنی شورای امنیت در این نهاد بین المللی تلقی می شوند^۱.

۱-۱. فلسطین

از پیدایش سازمان ملل تا اکنون قضیه فلسطین به عنوان مهم ترین معضل خاور میانه و شاید جهان و همچنان با سابقه ترین منازعه در دستور کار این سازمان بوده است. پس از جنگ جهانی اول شورای قیمومیت جامعه ملل، قیمومیت فلسطین را به انگلستان سپرد و دولت انگلستان بعد از نزدیک به سه دهه قیمومیت بر این سرزمین، در اثر مهاجرت گسترده یهودیان و ناآرامی های که سازمان های صهیونیستی در فلسطین ایجاد کرده بودند. همچنان برخی توافق های پنهان، طرح پایان دادن به حکومت سرپرستی را سر لوحه سیاست خود قرار داد و تصمیم گرفت که این مشکل را به سازمان نوپای جدید قیمومیت، یعنی سازمان ملل ارجاع دهد.

ابتدا تصور می شد که این قضیه به عنوان نخستین مسئله در دستور کار شورای امنیت در کم ترین زمان مورد حل و فصل قرار گیرد. اما، سازمان ملل متحد نظر به دلایل مختلف، که مهم ترین آن دخالت قدرت های بزرگ به ویژه ایالات متحده امریکا در شورای امنیت به نفع رژیم صهیونیستی بوده است. در طول بیش از نیم قرن در قضیه فلسطین ناموفق و ناکارآمد عمل کرده است^۲.

۱-۲. صلح، ثبات و تروریسم

سیاست های نامشروع فرامرزی در عرصه جهانی توانسته است صلح و ثبات و نورم های قبول شده در روابط بین المللی را به خطرات جدی مواجه ساخته و اصل احترام به حاکمیت ملی کشور ها، استقلال و تأمین منافع مشروع ملت ها را در ابعاد وسیع آن آسیب پذیر سازد. حوادث منطوقی مانند مسئله شرق میانه، جنوب و شرق آسیا، افریقا و آمریکای لاتین در دهه های ۶۰ الی ۸۰ و تکرار آنها در اوضاع کنونی کشورهای مانند لیبیا، سوریه، عراق، افغانستان، یمن و غیره این مسئله را به اثبات رسانیده است که سیاست های نامشروع فرامرزی حل مشروع و عادلانه پرابلم های یاد شده را بر بنیاد اهداف و وظایف سازمان ملل متحد مانع شده و به ناکامی مواجه ساخته است. مشخصه اوضاع کنونی و تأثیر سیاستهای نامشروع بین المللی (موازی با اهداف ملل متحد) در آن است که بعد از سقوط دولت با قدرت اتحاد شوروی و انحلال پیمان نظامی وارسا، دول بزرگ سرمایه داری به خصوص سه دولت عضو دایمی ملل متحد سیاست مداخله بر امور داخلی کشورهای وسیع ساختن دامنه بی ثباتی مناطق جهان دست یازیدند و چندین کشور را به جنگ های

۱ احمدی، حسین پور. مزیدی، مقداد قنبری، صص ۲۲۸-۲۲۷

۲ سعیدی نژاد، حمید رضا، صص ۱۴۴-۱۴۳

داخلی مواجهه و به بر انداختن دول قانونی با زور و مداخله مستقیم نظامی و رهبری چند دولت متصل گردیدند. اکنون نمی توان دیگر از نقض صریح صلح، ثبات و امنیت بین المللی مسجل در منشور ملل متحد و نیز نقض آشکار حقوق بشر و انجام جنایات اشد جنگی توسط این دولت ها انکار نموده و از آن چشم پوشید. اکنون زمان بیان واضح این حقیقت است که در قدم اول دول های ایالات متحده امریکا، انگلستان و فرانسه در تبانی با تعداد از دول دیگر عضو ناتو و دولت های وابسته (اسرائیل، پاکستان، قطر و عربستان سعودی) بزرگترین ناقضین محتوای منشور ملل متحد می باشند.

- سیگنال های وجود دارد که حلقه های استخباراتی مداخله گر که در چوکات قوای حفظ صلح ملل متحد در سال های ۷۰ و ۸۰ در لبنان قرار داشتند، به خاطر تسلط بر اوضاع و پیش برد اهداف شان به نفع اسرائیل در شبانگاه ها افراد با نفوذ غیر نظامی را در آنجا تثبیت و ترور می کردند.
- قوای نظامی هالند در چوکات آیساف توسط یک فرد قوی افغانی الاصل در منطقه ارزگان سران قوم و افراد صاحب نفوذ که برای طالبان مؤثر بودند شبانه تثبیت و به قتل می رسانیدند.
- ورود و انتقال مصئون صد ها جنگجوی طالبان از قلمرو پاکستان به افغانستان و انتقال شان با سرویس ها و هلیکوپتر ها به ولایات شمال افغانستان که قبلا امن بودند.

در حقیقت ناتو دست و پای اهداف منشور سازمان ملل متحد را از پشت بسته است و این سازمان به آله دست اجرایی اهداف بزرگ امریکا و شریکانش (توسعه طلبی و منافع) مبدل شده است که کشورهای قدرتمند غربی تحت رهبریت امریکا اهداف شان را در لابلای قطعنامه های قانونی سازمان ملل متحد پوشانده است. به مفهوم دیگر این تعداد از دولت ها به خصوص امریکا تلاش می کنند تا از منافع ملی شان دفاع نمایند و آن منافع را مصئون سازند ولی با بهانه و سو استفاده از مفاهیم (منافع ملی، منطوقی و بین المللی)، (شرایط مجدد) و (حتمی نبودن مقاصد صلح آمیز) در پی مقاصد خود اند و سیاست های خلاف صلح و امنیت بین المللی خود را موجه و مشروع تلقی می نمایند^۱.

۱- ۳ اعلامیه هزاره^۲

گرچه روند اصلاحات سازمان بعد از سال ۲۰۰۰م را می توان به اهداف هزاره مرتبط دانست که مشتمل بر هشت هدف قرار ذیل بود:

۱ دهزاد، بصیر . (۱۳۹۵) . سیاست های دوگانه مانع تطبیق اهداف اجرایی ملل متحد . لینک <https://www.haqiqat.org/>

تاریخ دسترسی ۹۸/۷/۶

- ریشه کنی فقر
- تأمین آموزش ابتدایی در سطح جهان
- برابری جنسیتی و توانمند سازی زنان
- کاهش مرگ و میر اطفال
- بهبود وضعیت مادران و رشد سلامت زایمان
- مبارزه با ایدز، ملاریا و سایر بیماری ها
- حصول اطمینان از حفظ محیط زیست
- مشارکت جهانی برای توسعه

قرار بود این اهداف تا سال ۲۰۱۵ م تا جایی برآورده شوند ولی با گذشت هشت سال از این توافق در زمینه تحقیق اهداف مذکور آنچنان که در جهان مشاهده می شود به ویژه در مواردی مانند: ریشه کنی فقر، مقابله با ایدز و حفظ محیط زیست سازمان ملل متحد موفقیت چندانی نداشته است^۱.

۱-۴ امنیت

در بسیاری موارد اعضای سازمان ملل در مورد نیل به اهداف قطعنامه های شورای امنیت و اجرای الزامی آنها موضع انفعالی اتخاذ کرده اند. مثلا عراق از سال ۱۹۹۱ م به این سو ۱۷ مورد از قطعنامه های شورای امنیت را نقض کرده و تحریم های اقتصادی سازمان ملل را دور زده است. تقریبا به مدت یک دهه است که اسرائیل قطعنامه توقف شهرک سازی در کرانه باختری و غزه را نادیده می گیرد. این شکست ها ریشه در ماهیت بین دولتی سازمان ملل دارد.

مهم ترین موارد شکست ماموریت های سازمان ملل عبارت بوده اند از:

- شکست در ممانعت از نسل کشی رواندا در سال ۱۹۹۴ م
- شکست MONUC در اجرای قطعنامه ۱۲۹۱
- شکست در مداخله سال ۱۹۹۵ م در کشتار سربرنیتسا
- شکست در رساندن مواد غذایی به مردم قحطی زده سومالی در سال ۱۹۹۳ م
- تجاوز های جنسی توسط نیروهای حافظ صلح سازمان ملل در کشور های کنگو، هائیتی، بروندي، دماغه سبز و لیبریا^۲

۱ نگاهی به ساختار و عمل کرد سازمان ملل متحد، مجله اقتصادی، صص ۱۰۸-۱۰۹
 ۲ویکی-پدیا دانشنامه ای آزاد، سازمان ملل متحد، تاریخ دسترسی ۱۳۹۸/۱۱/۲۳، لینک دسترسی ،
http://en.wikipedia.org/wiki/United_Nations

۳- بررسی عوامل ناکارآمدی سازمان

سازمان ملل باید بکوشد تا به درگیری بین کشورها پایان دهد، و با استفاده از قدرت خویش به حل اختلافات بپردازد و کشورها را به راه های دیپلماتیک برای رفع نزاع های فیمابین ارجاع دهد. ماده های ۳۲ و ۳۳ فصل ششم توافق نامه سازمان ملل به تبیین دیپلوماسی بازدارنده می پردازد و بر تلاش های مجدانه رئیس سازمان در این زمینه تاکید دارد. رئیس سازمان موظف است برای فهم هرچه بهتر عوامل درگیری و اختلاف، از فرستادگان خود در کشورهای مختلف کمک بگیرد تا به بهره گیری از گزارش ها و تحقیقات آنان به حل بحران پرداخته و طرفین درگیر را به سمت حل و فصل اختلافات از طریق دیوان عدالت بین المللی سوق دهد. توجه به اوضاع کنونی جهان نشان می دهد که نه تنها سازمان ملل نتوانسته از وقوع درگیری جلوگیری کند که حتی در توقف استمرار این نزاع ها ناکام بوده است. مثال واضح آن جنگ چندین ساله ای است که بین دو کشور همسایه ایران و عراق رخ داد. (توجه: جنگ ایران و عراق سال ها می شود که خاتمه یافته است خوب است که در این نوشته از مثال های خیلی روشن و زنده امروزی از ناکامی های سازمان ملل متحد استفاده شده و آنها برجسته ساخته شود.) جنگی که به ویرانی دو کشور منتهی شد و با اینکه منشور سازمان ملل به توقف جنگ حکم داد ولی جنگ همچنان ادامه پیدا کرد. همچنین است جنگ های دیگر خاورمیانه من جمله سوریه، لیبیا، یمن و فلسطین که سازمان ملل متحد در هیچکدام نقش مثبت و مؤثری ایفا نکرده است. موضوع دیگری که به سازمان ملل مایه ننگ و شرمساری است پرونده پناهندگان می باشد که هزاران تن از پناهنده گان در حالیکه از گرسنگی و بی سرپناهی رنج برده و در خیابان های کشورهای اروپایی سرگردان اند. همچنین است گرسنگی و قحطی کشورهای سومالی، یمن و سودان جنوبی به گونه ای که در حدود ۱۰ نفر روزانه در سودان جنوبی بر اثر گرسنگی شدید جان خود را از دست می دهند و گزارش های این سازمان از عان دارد که ۱۷ میلیون یمنی در معرض گرسنگی شدید قرار دارند. واقعیت این است که سازمان ملل تنها به بیان حجم بحران و ابراز همدردی و نگرانی از اوضاع موجود در سوریه، یمن و عراق می پردازد ولی آیا این همان چیزی است که از سازمان ملل امید می رفت؟ این سازمان باید در مقابل ابر قدرت ها و کشورهای بی که هرگونه قانون بین المللی و انسانی را زیر پا می گذارند بایستد. البته شورای امنیت در سال ۲۰۱۵م رخدادهای سوریه، عراق و لیبیا را محکوم کرد و قطعنامه ۲۲۰۰ را در خصوص اوضاع لیبیا، قطعنامه ۲۲۵۳ را در خصوص از بین بردن منابع مالی داعش در عراق و سوریه، مبارزه با قاچاق نفت، بازرسی گمرکی و حفاظت بیشتر از مرزها برای جلوگیری از قاچاق آثار باستانی و سپس قطعنامه ۲۲۵۸ را در خصوص اوضاع سوریه به تصویب اعضا رساند، اما هیچ یک از این قطعنامه ها اجرایی نشد چرا که دبیر کل سازمان ملل که به موجب بند ۴ توافق سازمان، مسئولیت اجرای قوانین را بر عهده دارد از وظیفه خود سر باز زد و تنها به انتشار چند بیانیه و محکوم کردن کشتارها بسنده کرد. سازمان ملل متحد در درجه اول یک سازمان سیاسی است قبل از اینکه یک سازمان قانونی باشد، و جزو اولین اهداف این سازمان اصل

مساوات بین کشورهاست. اما اولین کسانی که این اصل را زیر پا گذاشتند و با قراردادن حق ویتو آن را نقض کردند همان ابرقدرت هایی بودند که این سازمان را تشکیل دادند. شورای امنیت در حقیقت به یک سازمان اجرایی برای برنامه ریزی و عملی کردن تصمیمات امریکا تبدیل شده است. با اشاره به تأسیس سازمان ملل پس از جنگ جهانی دوم توسط کشورهای درگیر جنگ، می شود به این تناقض پرداخت کشورهای که خود اطراف درگیری در جنگ جهانی بودند حال سعی داشتند با ایجاد یک نظام جهانی به استقرار امنیت و صلح در جهان کمک کنند. در آن زمان امنیت معنایی کلیشه ای داشت و آن عدم جنگ بین کشورها بود، اما با شکل گیری گروه های تروریستی و تشکیلات فعال خارج از حکومت مفهوم امنیت جهانی نیز تغییر کرد. هیچ یک از دولت ها و سازمان های بین المللی نتوانستند از آثار مخرب این گروه ها جلوگیری کنند، چرا که آنها از چهارچوب حکومت خارج بودند و در مناطقی دور از دسترس آنها فعالیت می کردند. مشکل اساسی دیگر این است که سازمان ملل متحد تا به امروز تحت تاثیر سیاست های کشورهای صاحب حق ویتو است و پروژه صلح و آشتی به این دلیل در هیچ یک از کشورهایی منطقه موفقیت آمیز نبوده که منافع این پنج کشور بر صلح و آشتی مقدم بوده است. از طرفی دیگر قطعنامه هایی پیشنهادی پیش از اینکه به نفع امنیت و صلح جهانی باشد، نفع این کشورها را در نظر دارد. از این رو است که می بینیم که روسیه قطعنامه پیشنهادی فرانسه را ویتو می کند و امریکا قطعنامه روسیه را. آنچه روشن و واضح است این است که تصمیمات سیاسی ابر قدرت ها همچنان بر این سازمان حاکم است و این سازمان بین المللی متأسفانه نمی تواند از چنگال کشورهای استعماری که بر نظم جهانی چیره شده اند رهایی یابد. سازمان ملل متحد از طریق نمایندگان و سازمان های تابع و متخصص در زمینه حقوق بشر به فعالیت می پردازد. این سازمان های تابع عبارت اند از: سازمان بین المللی حقوق بشر، صلیب سرخ و سازمان عفو بین المللی. حال آیا این سازمان ها توانسته اند به وظایف خود عمل کنند؟ پاسخ خیر است زیرا کشورهایی که در این سازمان ها بیشتر مشارکت دارند، بیشترین تاثیر را نیز بر تصمیم گیری ها خواهند گذاشت. مثلاً چندی پیش سازمان حقوق بشر قطعنامه را علیه اسرائیل به تصویب رساند که در آن اسرائیل به جرم تبعیض نژادی علیه اعراب محکوم شده بود اما امریکا این سازمان را تهدید کرد که اگر از قطعنامه خود باز نگردد و آنرا ابطال نکند کمک های مالی خود را به این سازمان قطع خواهد کرد. حال سوال این است که اگر بخواهیم برای حفظ حقوق و آزادی بشر جایگزینی برای سازمان ملل بیابیم آن چیست؟ در پاسخ به این سوال باید گفت که جایگزین این است که تمام کشورها به طور مساوی در مدیریت این سازمان شرکت کرده و جهان از زیر یوغ ابر قدرت های سلطه طلب و استعمارگر خارج نمایند. برای این کار اولاً باید حق ویتو که عامل تعطیلی

بسیاری از قطعنامه‌ها است حذف گردد و دیگر اینکه کشورهای جدید مانند هند، برزیل، ترکیه و بسا از کشورهای افریقای به شورا امنیت اضافه گردند.^۱

مرکز مطالعات استراتژیک و منظوقی

۱ منوری. محمد، (۱۳۹۶)، بررسی عوامل ناکارآمدی سازمان ملل، مرکز مطالعات راهبردی النبأ، تاریخ دسترسی ۱۳/۱۱/۱۳۹۸،

لینک انترنتی <https://pe.annabaa.org/news/1705>

بخش چهارم

نگاهی به عمل کرد سازمان ملل متحد، اصلاحات و ضرورت تجدید ساختار

اعتبار و مشروعیت سازمان ملل متحد به نوبه خود موکول به تحقق شرایطی است چون: (۱) جلوگیری از برخورد های تبعیض آمیز؛ (۲) ترک دوگانگی در تصمیم گیری ها به ویژه در تطبیق تصامیم؛ (۳) نظارت بر اجرای اصول و قوانین؛ (۴) دموکراتیک کردن واقعی امور و برقراری قواعد و مقررات بین المللی؛ (۵) اجتناب از یک جانبه گری. سازمان ملل متحد در حالی قدم خویش را در هزاره سوم نهاد، که جهان در مقایسه با دوران پس از جنگ جهانی دوم، شکل دیگری را به خود گرفته است. فروپاشی نیروی شرق، کشتار مسلمانان در بوسنیا و هرزگوینیا، اشغال کویت توسط عراق، موج تروریزم و حوادث یازده سپتامبر، جنگ امریکا با عراق و افغانستان، انقلاب های نارنجی در اروپا، قوت گرفتن اندیشه جنگ تمدن ها، برپا شدن بهار عربی و حمله به مسلمانان در سراسر جهان و اهانت به مقدسات دینی آنان، همه و همه تاثیرات خاص خود را بر جهانی امروزی گذاشته اند. سازمان ملل متحد از نخستین روز تأسیس خویش برای نجات نسل ها از موج جنگ و خشونت تأسیس گردید، اما طی این مدت در این زمینه موفقیتی چشم گیری به دست نیاورده است. کشورها بارها و بارها علیه یکدیگر دست به اسلحه برده اند و تنها بین سال های ۱۹۴۵م تا ۱۹۸۹م، ۶۸۰ بار باهم جنگیده اند. گذشته از آن حامیان اصلی صلح و ثبات و دارندگان حق ویتو در سازمان ملل متحد همانند: روسیه، انگلستان، فرانسه و امریکا قبل از دیگران بالای کشورهای کوچک و ضعیف مانند: افغانستان، عراق و لیبیا یورش بردند، و علاوه بر تاراج کردن سرمایه های ملی و فرهنگی و از بین بردن زیربنای اقتصادی و توسعه کشورهای مذکور صدها هزار تن را به قتل رسانیدند. اوضاع کنونی، استمرار جنگ های داخلی در گوشه و کنار جهان، یک جانبه گرایی بعضی از قدرت های بزرگ و به خصوص امریکا، توسعه اقتصادی و اجتماعی نامتوازن شمال و جنوب، (توجه: فکر کنم که شرق و غرب) افزایش جمیعت، مسایل زیست محیطی، نقض فاحش حقوق بشر، گسترش تروریزم، ایدز، قاچاق مواد مخدر و ... از جمله مخاطراتی است که سازمان ملل متحد با آن رو بروست. آنچه مسلم است اینکه کشور های غربی با استفاده از توانمندی ها، داشتن حق ویتو، برخورداری از سطح مدیریت عالی و وقوف به مسایل، خواهان افزایش نفوذ خود در تصمیم گیری های جانبدارانه هستند. در حالیکه تنها و تنها از روی اعتماد بر ایجاد وحدت جهانی در خصوص توسعه پایدار با به کار گیری اقتدار و منابع لازم برای ایجاد گسترش امنیت جهانی همه جانبه و حفظ اصول اجتماعی بر پایه تشکیل یک شورای اجتماعی ویژه و همچنین ارتقای احترام به حقوق بشر و

تساوی حاکمیت کشورها و کمک به کشورهای نیازمند می توان امیدوار به حفظ صلح، گسترش عدالت و رفاه در سطح جهان بود.^۱

۲. اصلاحات در سازمان ملل متحد

منشور سازمان ملل متحد که بیش از ۷۰ سال دوام یافته بر پایه اصولی استوار است و اهدافی را دنبال میکند که نیاز به تغییر چندانی ندارد، آنچه نیازمند تغییر است ساختار سازمان ملل و نحوه عمل کردن آن است. اصلاحات مورد نظر ترجیحا در ارکانی چون شورای امنیت، دارالانشاء و مجمع عمومی باید صورت پذیرد البته بیشتر از همه ارکان ملل متحد، شورای امنیت در معرض پیشنهاد های برای تغییر بوده است زیرا در حالی که اکثر فعالیت های سازمان ملل متحد در حوزه اقتصادی-اجتماعی است، ارزیابی سازمان ملل بیشتر از طریق عمل کردن آن در زمینه حفظ صلح و امنیت و نهاد مرتبط با آن یعنی شورای امنیت صورت می گیرد.^۲ با توجه به تحول جامعه بین المللی، لزوم اصلاح و تجدید نظر در قواعد حاکم بر آن همواره محسوس بوده است. منشور ملل متحد نیز مانند سایر معاهدات بین المللی از هر گونه تغییر مصون نیست و با افزایش تعداد دولت ها و تغییر موازنه بین آنها، تغییر مقررات حاکم بر این سازمان ضروری بوده است. روند اصلاحات در سازمان ملل متحد را می توان در یک تقسیم بندی کلی در سه مقطع زیر بیان کرد:

- از تأسیس سازمان تا صدور اعلامیه توسعه هزاره^۳ سال ۲۰۰۰م
- روند جدید اصلاحات پس از اعلامیه هزاره در سال ۲۰۰۰م
- مرحله سوم از ۲۰۱۵م به بعد با اهداف توسعه پایدار (SDGs) شروع شده است.^۴

۲-۱. از تأسیس سازمان ملل متحد تا سال ۲۰۰۰م:

نخستین تلاش برای اصلاح ساختار سازمان ملل متحد را می توان در طرح پیشنهادی «کمیته مخارج سنای امریکا» در سال ۱۹۴۷م مشاهده نمود که مشکلات مربوط به دوباره کاری ها، هماهنگی های ضعیف، رشد سریع برنامه ها و بدنه اداری سازمان ملل و... را یاد آور شده بود. عمده ترین اصلاحات که در این مقطع تاریخی در سازمان ملل متحد صورت گرفت را می توان به اختصار در موارد زیر خلاصه کرد:

- افزایش اعضای غیر دائمی شورای امنیت از ۵ عضو به ۱۰ عضو
- تغییر حد نصاب رأی گیری در شورای امنیت از اکثریت ۷ رأی به ۹ رأی

۱ زاهد. محمد اکبر، همان اثر، صص ۱۵۸-۱۵۹

۲ زاهد. محمد اکبر، همان، ص ۱۶۲

3 Millennium Development Goals (MDGs)

۴ موسی زاده. رضا، همان اثر، ص ۱۱۲

- تغییر توزیع جغرافیایی اعضای غیر دائمی شورای امنیت نیز در این مقطع تاریخی صورت گرفت؛ تا سال ۱۹۶۵م عمدتاً توزیع جغرافیایی اعضای غیر دائمی شورای امنیت به قرار زیر بود: دولت های امریکایی لاتین(۲عضو)، اروپای شرقی(۱عضو)، اروپای غربی(۱عضو)، خاورمیانه(۱عضو)، کشورهای مشترک المنافع(۱عضو)
- لیکن به موجب قطعنامه فوق الذکر توزیع جغرافیایی اعضای غیر دائمی شورای امنیت از اول سپتامبر ۱۹۶۵م به قرار زیر تغییر کرد:
- دولت های آسیایافریقایی(۵عضو)، دولت های امریکایی لاتین(۲عضو)
- دولت های اروپای شرقی(۱عضو)، دولت های اروپای غربی(۱عضو)، اقیانوسیه(در این جا نیاز به توضیح دیده می شود که اقیانوسیه یعنی چه؟) و سایر دولت ها (۱عضو).
- امکان کسب کرسی غیر دائمی برای یک دوره یک ساله: از دهه ۶۰ به بعد بدون اصلاح صریح مقررات ماده ۲۳ منشور کرسی غیر دائمی شورای امنیت برای مدت یک سال به هر یک دولت های که به میزان مساوی رأی کسب کرده بودند ممکن گردید.
- افزایش تعداد اعضای شورای اقتصادی و اجتماعی از ۱۸ عضو به ۲۷ عضو و افزایش مجدد این تعداد از ۲۷ عضو به ۵۴ عضو.
- اصلاح ماده ۶۱ منشور^۱.

۲-۲. اصلاحات بعد از سال ۲۰۰۰م در سازمان ملل متحد

در سال های اخیر تقاضا اصلاحات در سازمان ملل متحد افزایش یافت. البته این درخواست ها خیلی واضح و مشخص نبود و اجماع نظری در مورد نحوه اصلاحات وجود نداشت. برخی خواستار ایفای نقش جدی و مؤثر تر سازمان ملل در مورد جهانی شدن و برخی دیگر معتقد اند که کار سازمان می بایست به کمک های بشر دوستانه محدود شود و تعدادی بیشتر خواستار عضویت در شورای امنیت و تغییر موقعیت ژئوپولیتیک آن شدند. در سال های ۲۰۰۴م و ۲۰۰۵م موضوعات سوء استفاده از برنامه نفت در برابر غذا در عراق در دوران صدام حسین ضرورت اصلاحات را افزایش داد. یک برنامه اصلاحی رسمی از سوی دبیر کل سازمان ملل در ۱۹۷۷م اجرا شد. این اصلاحات شامل تغییر عضویت دائمی در شورای امنیت، شفاف تر ساختن بروکراسی و ایجاد حس مسؤولیت پذیری بیشتر در بین اعضا، دموکراتیک تر ساختن سازمان ملل و اعمال تعرفه های مناسب به شرکت های مهمات و جنگ افزار سازی در سراسر دنیا بوده است. در شصتمین جلسه مجمع عمومی سازمان ملل که در سپتامبر سال ۲۰۰۵م به حضور سران اکثر کشور های عضو تشکیل شده بود، که سازمان ملل این جلسه را "فرصت بسیار نادر در اتخاذ تصمیم های مهم در حوزه های توسعه، امنیت، حقوق

۱ موسی زاده، همان اثر؛ ص ۱۱۲

بشر و اصلاحات در سازمان ملل " نامید. در این نشست اعضا در مورد اصلاحات سازمان ملل و گریز از تنگنای اعمال سیستم های بین الملل صلح و امنیت، حقوق بشر و توسعه به توافقات مهم دست یافتند. و چالش های اساسی و پیش روی سازمان ملل در قرن بیست یک را ارزیابی نمودند. رهبران و سران کشورها در این موارد، به توافق ذیل دست یافتند^۱:

- تأسیس شورای حقوق بشر(جای گزین کمیسیون حقوق بشر)
- تأسیس کمیسیون صلح سازی
- طرح مسئولیت حمایت در مورد جنایات علیه بشریت، نسل کشی و جنایات جنگی^۲.

ولی موارد ذکر شده تا جایی فقط روی کاغذ سفید را سیاه نمود، در بعضی قضایا موفقیت های نسبی هم داشته است ولی به صورت مطلق قطعنامه های این سازمان در موارد حقوق بشر، نسل کشی، جرم و جنایت علیه بشریت به ناکامی مواجه شده است از جمله می توان به رنج و آلام روهینگایی ها که دقیقاً با تعریف نسل کشی در قطعنامه مصوب ۹ دسامبر ۱۹۴۸م همخوانی دارد با گذشت ۷۰ سال از تصویب قطعنامه سازمان ملل جهان تا هنوز نتوانسته است مانع این گونه جنایت شود، چه رسد به آنکه عاملان را مجازات کند. علاوه بر مسلمانان روهینگایی های میانمار، خاطرات ایزدی ها گروه فرقه ای مذهبی در شمال عراق هنوز بر اذهان سنگینی می کند. در سال ۱۹۷۲م دولت توتسی در بروندی صدها هزار نفر از قوم هوتوس را به قتل رسانیدند، در سال های ۱۳۷۵-۱۳۷۹م خمرهای سرخ کمونیست ۱/۵ میلیون نفر معادل یک چهارم جمعیت کامبوج را کشتند، در اوایل دهه ۱۹۸۰م ارتش گواتمالا حدود ۶۰ هزار نفر کشاورز قوم مایا را در جنگ های داخلی قتل عام کردند^۳.

۲-۳. از ۲۰۱۵م تا سال ۲۰۳۰م اهداف توسعه پایدار

با پایان یافتن زمان تعیین شده اهداف توسعه هزاره(MDG) که در بزرگ ترین گردهمایی سران دولت ها در سپتامبر سال ۲۰۰۰م در نیویارک به تصویب رسیده بود، موضوع تدوین شاخص های توسعه پایدار(SDG) در اجلاس ریو به علاوه ۲۰ در ریودوژانیرو برزیل در سال ۲۰۱۲م مطرح شد و مقرر گردید تا این اهداف جای گزین اهداف توسعه هزاره(MDG) شوند تا ملاک و معیاری برای ارزیابی فعالیت های بشر به طور عام و دولت ها به طور اخص در خصوص توسعه پایدار در چند دهه آینده شوند. پس از برگزاری اجلاس

۱ نگاهی به ساختار و عمل کرد سازمان ملل متحد، مجله اقتصادی، صص ۱۱۳-۱۱۲

۲ موسی زاده، همان اثر؛ صص ۱۱۵

۳ ناکامی قطعنامه سازمان ملل متحد، (۱۳۹۷). هفته نامه تجارت فردا: تنگه خطر اخبار بین الملل (سیاست). کد مطلب

۲۹۶۰ تاریخ دسترسی ۱۳۹۸/۱۰/۱۵ <http://www.tejaratefarda.com/>

یاد شده و به منظور تدوین شاخص های توسعه پایدار جلسات و نشست های متعددی با مشارکت صاحب نظران از سراسر دنیا برگزار شد که سرانجام شاخص های توسعه پایدار تدوین شده و پس از تصویب در سازمان ملل متحد کشورهای مکلف شدند تا بر مبنای این شاخص ها گزارش های کشوری و ملی خود را تهیه و به مجامع بین المللی ارایه نمایند. نظر به این که موضوع توسعه پایدار و شاخص های ناظر بر آنها موضوعی فرابخشی بوده و کلیه ابعاد توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی را شامل می شود، در آینده نیز بر اساس چنین شاخص هایی کشورهای مورد ارزیابی قرار خواهند گرفت، لذا ادغام این شاخص ها در سیاست ها و برنامه های حوزه های مختلف در برنامه ششم توسعه اجتناب ناپذیر است و باید به عنوان شاخص های هدف در حوزه های مختلف مورد توجه قرار گیرند، زیرا در آینده نزدیک بر اساس این شاخص ها کشورهای جهان مورد ارزیابی قرار خواهند گرفت.^۱

اهداف توسعه پایدار موارد بیشتری از مشکلات که مؤثر اند بر مردم، سیاره زمین، موفقیت، صلح و دوستی را در نظر می گیرد. در سپتامبر سال ۲۰۱۵م رهبران جهان با ۱۷ هدف کلی، (۱۶۹) زیر مجموعه و (۲۱۷) شاخص می باشد برای رسیدن به اهداف کلی موافقت کردند. این اهداف از لحاظ قانونی تعهدی را ایجاد نمی کند اما، از دولت ها انتظار می رود که آن را پذیرفته و برای دستیابی به این اهداف یک چهارچوب ملی ایجاد نمایند که تا ۱۵ سال آینده کشورها با تلاش در جهت بسیج کردن نیروها به اشکال مختلف با فقر و نابرابری مبارزه کرده و، تغییرات آب و هوا را کنترل نمایند.^۲

۲-۳-۱. اهداف توسعه پایدار

۱. ریشه کن کردن فقر، به هر شکل و در هر جای که باشد.
۲. از بین بردن گرسنگی، دستیابی به امنیت غذایی، بهبود تغذیه و ترویج کشاورزی پایدار.
۳. تضمین زندگی سالم و ترویج رفاه برای همه و در تمام سنین.
۴. تضمین آموزش فراگیر، منصفانه، با کیفیت و پیش برد فرصت های یادگیری مادام العمر برای همگان (توجه: من قسمت دوم این جمله را نفهمیدم پیش برد فرصت های ...؟).
۵. دستیابی به برابری جنسیتی و توانمند سازی زنان و دختران.

۱ سنگاچین، فرزام، اهداف توسعه هزاره و اهداف توسعه پایدار، ماهنامه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کار و جامعه، شماره ۱۸۶ سال ۱۳۹۴، تهران، تاریخ دسترسی ۹۸/۱۱/۲۹، ص ۶، لینک اینترنتی <http://ensani.ir/fa/article/356474/>

۲ وزارت اقتصاد-کابل افغانستان، سپوزیم روی اهمیت انکشاف پایدار، تاریخ دسترسی ۱۳۹۸/۱۱/۲۹، وبسایت <https://moec.gov.af/dr/info@sdgs.gpv.af> لینک دسترسی

۶. تضمین دسترسی همگانی و مدیریت پایدار آب و فاضلاب.
۷. تضمین دسترسی همگانی به انرژی مشروط به صرفه جویی، قابل اتکا، پایدار و نوین.
۸. ترویج رشد اقتصادی مطمئن، پایدار، فراگیر، مولد و آبرومند برای همگان.
۹. ایجاد زیر ساخت منعطف، ترویج فراگیر و پایدار صنعتی شدن و تشویق نو آوری..
۱۰. کاهش نابرابری درون کشوری و میان کشوری..
۱۱. فراگیر، ایمن، تاب آور و پایدار ساختن شهرها و سکونت گاه های انسانی.
۱۲. تضمین الگوهای مصرف و تولید پایدار.
۱۳. اقدام فوری برای مبارزه با تغییرات اقلیمی و آثار آن.
۱۴. حفاظت و بهره برداری پایدار از اقیانوس ها، دریاها و منابع دریایی برای دستیابی به توسعه پایدار.
۱۵. حفاظت، بازسازی و ترویج استفاده پایدار از اکوسیستم های خشکی، مدیریت پایدار جنگل ها، مبارزه با بیابان سازی و متوقف ساختن و معکوس نمودن روند تخریب زمین و ممانعت از نابودی آن.
۱۶. ترویج جوامع صلح آمیز و فراگیر برای دستیابی به توسعه پایدار، فراهم کردن دسترسی به عدالت قضایی برای همه و برپایی ساختارهای اجتماعی کارآمد، پاسخگو و فراگیر در همه سطوح.
۱۷. تقویت ابزار اجرایی و احیای مشارکت جهانی برای دستیابی به توسعه پایدار^۱.

۳. ضرورت بازسازی دوباره سازمان

۱- مطرح شدن مسایل امنیتی جدید پس از جنگ سرد: تغییرات و تحولات امروزی عمدتاً در مسایل امنیتی رخ می دهند. این مسایل و مخاطرات جدید در عرصه بین المللی از آنجا که محصول ویژگی های دوران پس از جنگ سرد اند، دارای ماهیتی متفاوت هستند و از این رو برخورد متفاوت را می طلبند. اختلافات قومی، مذهبی، اقتصادی، تروریسم، مسئله خلع سلاح، فقر و ... از جمله ای مسایل هستند که باعث افزایش

۱ وزارت اقتصاد-کابل افغانستان، سمپوزیم روی اهمیت انکشاف پایدار، تاریخ دسترسی ۱۳۹۸/۱۱/۲۹، وبسایت <https://moec.gov.af/dr/info@sdgs.gov.af> لینک دسترسی

تقاضای بین المللی برای انواع خدمات سازمان و گسترش اولویت های سازمان ملل شده است. در این میان نقش نهاد های بین المللی به ویژه شورای امنیت سازمان ملل در جهت ایجاد یک هماهنگی بین المللی در مواجهه با این تهدیدات نوین از اهمیتی بالا برخوردار است و به همین خاطر ضرور است که سازمان ملل متحد با انجام اصلاحات لازم توانایی خود را در این راستا ارتقا بخشد.

۲- پایان جنگ سرد و برهم خوردن نظام دوقطبی:

شکل بندی نظام روابط بین الملل پس از جنگ جهانی دوم به صورت دو بلوک شرق و غرب و تعارضات سیاسی-ایدئولوژیکی باعث شد که توازن موجود در شورای امنیت به توازن سخت مبدل شود و سازمان ملل نیز تحت تأثیر این رقابت از هر گونه تصمیم گیری و ایفای نقش موثر باز بماند. با توجه به این وضعیت سازمان ملل در دوران دوقطبی، یک سازمان تابع و فاقد نقش و عمل کرد مؤثر بین المللی برای حل و فصل بحران ها بود.

اما، پایان جنگ سرد و فروپاشی شوروی، برخورد های ایدئولوژیک بین دو بلوک در سطح کلان را خاتمه داد و اقتصاد به مهم ترین مؤلفه این نظام تبدیل شد. بلوک بندی ها که در درون این سیستم در حال شکل گیری است. به جای آنکه دارای ماهیت سیاسی یا نظامی باشند، دارای ماهیت اقتصادی اند و این امر موجب تغییر در نظام توزیع قدرت شده است، بر موازات این امر، قدرت های اقتصادی نو ظهور خواستار ایفای نقش مؤثرتر در شورای امنیت بوده و خواهان اصلاح آن هستند.

۳- افزایش توان تأثیر گذاری برخی از بازی گران بین المللی:

سازمان ها اغلب محصول و نتیجه اوضاع و شرایط بین المللی هستند به عبارت دیگر نوع ساختار و توزیع قدرت در درون سازمان، بیان گر ساختار و توزیع قدرت در صحنه سیاست بین المللی است. ترکیب فعلی شورای امنیت بیان گر واقعیات سیاسی پس از جنگ جهانی دوم است و با توجه به تغییراتی که در سطح نظام بین الملل بعد از فروپاشی شوروی رخ داده شورای امنیت دیگر منعکس کننده واقعیات ژئوپلتیک جدید نیست و قدرت های نو ظهور در صحنه سیاست بینالملل خواستار ایفای نقش مؤثر در صحنه بین المللی و سازمان ملل هستند. در میان بازی گران قدرتمند جدید جاپان، آلمان، هند و برزیل از برجسته ترین بازی گرانی هستند که خواستار توزیع قدرت پس از جنگ سرد می باشند، این دولت ها بیش ترین سرمایه مالی

سازمان ملل (۱۰٪) را می پردازند. بر علاوه کشورهای مذکور ترکیه نیز خواهان افزایش نقش مسلمانان در شورای امنیت سازمان ملل متحد است.^۱

بررسی طرح های پیشنهادی و خواست کشورها برای اصلاح شورای امنیت

اصلاحات در سازمان ملل متحد از همان نخستین سال های برپایی این سازمان همواره وجود داشته است ولی در دوران جنگ سرد و نظام دو قطبی، از آن رو که قدرت های بزرگ نقش برجسته ای برای این سازمان قائل نبودند و به حفظ وضع موجود و بهره گیری از آن بسنده می کردند، ضرورتی هم به تغییر و اصلاح آن نمی دیدند. در سایه تحولات اساسی و بنیادین در ساختار نظام بین الملل به ویژه تغییرات ناشی از پایان جنگ سرد همچون جابجایی نقش قدرت ها، اهمیت یافتن موضوعات و مفاهیم جدید و فراهم شدن بستر های نوین برای پذیرش مسؤلیت های متفاوت با گذشته در سازمانهای بین المللی به ویژه سازمان ملل متحد، لزوم بازنگری در نقش، جایگاه و ساختار این نهاد بین المللی متناسب با شرایط نوین جهانی نگاه ها را به خود جلب کرد. امروز همه مسائل، همچون جنگ های داخلی، ظهور بازی گران جدید، یک جانبه گرایی برخی از قدرت های بزرگ به خصوص آمریکا، افزایش جمعیت، مسائل زیست محیطی و جرایم سازمان یافته، افزایش امواج تروریسم و نقض حقوق بشر منجر به بی اعتباری سازمان ملل متحد در حل این مسایل شده است که ضرورت اصلاح ساختار سازمان ملل را بیش از پیش نمایان ساخته است. با وجود فعالیت سازمان ملل در زمینه های مختلف، نقش آن در زمینه حفظ صلح و امنیت بین المللی نمایان تر است. این امر گرچه باعث شد که سازمان ملل به عنوان بازی گر پیچیده با نقش های مختلف تبدیل شود اما همچنان ارزیابی شکست و پیروزی آن مربوط به تلاش های آن برای حفظ صلح و امنیت بین المللی می باشد و براین اساس نیز اکثر مباحث مربوط به اصلاح ساختار سازمان ملل، در مورد اصلاحات در شورای امنیت است. برای اصلاح ساختاری شورای امنیت تا اکنون طرح های مختلف ارائه شده است که در بین مدل های ارائه شده مدل ارائه شده توسط گروه ۴، مدل های الف و ب گروه کاری شانزده نفره کوفی عنان، مدل گروه اتحاد برای اتفاق و مدل اتحادیه افریقا نسبت به بقیه مدل ها توجهات بیشتری به خود جلب کرده اند. طرح گروه ۴ شامل آلمان، جاپان، هند و برازیل است که موافقت کردند که از عضویت دائمی یک دیگر در شورای امنیت حمایت کنند. طرح اتحادیه افریقا بر تأمین حق مشروع افریقا بر اساس موقعیت جغرافیایی و اینکه هرگونه اصلاحاتی در سازمان ملل باید تمام ارکان آن از جمله شورای امنیت را دربر گیرد، تأکید می کند. در این قاره مصر، افریقا جنوبی و نیجریه جلودار مدعیان عضویت دائمی در شورای امنیت هستند. گروه اتحاد برای

۱ راه اتمام اصلاحات، (۱۳۹۵). روزنامه مردم سالاری. کد مطلب ۶۱۲۰۲. تاریخ دسترسی ۱۳۹۸/۷/۵، جایجا شده در عنوان ضرورت بازسازی دوباره سازمان و زیر عنوان های آن در مقاله حاضر، لینک <https://www.mardomsalari.ir/report/61202/>

اتفاق که شامل ارژانتین، ایتالیا، پاکستان، مکزیک، کانادا، کوریای جنوبی، اسپانیا و ترکیه هستند در برابر گروه ۴ به وجود آمد. به نظر این گروه طرح گروه ۴ برای افزایش شمار اعضای شورای امنیت تبعیض آمیز است و نوعی هژمونی های سطحی در سراسر جهان ایجاد می کند که در کار شورای امنیت اخلاص و کندی ایجاد خواهد کرد. این گروه معتقد است که هرگونه گسترش در شورای امنیت باید آن را دموکراتیک تر، شفاف تر، مؤثر تر و پاسخگو تر کند. در واقع این گروه رقبای منطقه ای کشورهای جی ۴ می باشند که مخالف به قدرت رسیدن رقبای خود و برهم خوردن موازنه قوا بر ضرر خود می باشند. طرح کوفی عنان که با عنوان "برای آزادی بیشتر به سوی توسعه، امنیت و حقوق بشر" در سال ۲۰۰۵م منتشر شد، دارای دو مدل الف و ب می باشد که به عنوان پیشنهاد مطرح بوده و در اجلاس سران دولتها مورد تأیید دولت ها قرار نمی گیرد. هر یک از این طرح ها با موانع و چالش هایی همراه بوده و به دلیل تعارض طرح ها با منافع هریک از قدرت های بین المللی و منطقه ای با شکست مواجه شده است و به سرانجام نرسیده است.^۱

شورای امنیت سازمان ملل متحد، ساختاری یک جانبه و به دور از عدالت دارد و تغییر ساختار آن نیازمند ایجاد نهادهای موازی است. رئیس جمهور ترکیه برای چندمین بار در اجلاس سران گروه ۲۰ اقدام به طرح پیشنهادی در راستای تغییر ساختار شورای امنیت سازمان ملل متحد کرد. پیشنهادی که با تأیید "آنتونیو گوتروش" دبیر کل سازمان ملل همراه شد و او نیز این مسئله را مطالبه ای جدی برای آینده جهان توصیف کرد. رجب طیب اردوغان با طرح شعار «دنیا از پنج کشور بزرگتر است» خواستار تغییر نظم نوین جهانی شده و حق ویتو را یکی از دلایل اصلی وجود بی عدالتی در جهان امروز می داند. قابل ذکر است چنین تغییراتی در کوتاه مدت اتفاق نخواهند افتاد ولی راه های حلی که در کوتاه مدت باعث ایجاد چنین تغییر شود پیشنهادی مبنی بر تخصیص یک کرسی دائمی شورای امنیت سازمان ملل متحد به کشورهای اسلامی می باشد. ولی باید توجه کرد که هیچ کشوری به میل و اختیار، قدرت بی حد و نامحدود خود را تحویل دیگری نخواهد کرد. در نتیجه در چنین وضعیتی نباید انتظار داشته باشیم که خود به خود و با تضعیف نسبی قدرت جهانی امریکا و غربی ها چنین تغییری حاصل شود. راهکار ایجاد چنین تغییری، ایجاد ساختارهای موازی توسط قدرت های منطقه ای و جهانی نوظهور است. ما شاهد هستیم که چینی ها با همکاری چند کشور دیگر تصمیم به تشکیل پیمان شانگهای گرفتند و برای اتخاذ تصمیمات امنیتی و نظامی خود به نظر اعضای این پیمان رجوع می کنند. همچنین در مسایل اقتصادی نهادهای را موازی با صندوق بین المللی پول ایجاد و تقویت کرده اند. در منطقه نیز کشورهای قدرتمند چون ایران و ترکیه می توانند چنین نقشی را بر عهده

۱ اسلام تایمز فارسی، (۱۳۹۶)، نگاهی نو به خواست کشورها برای تغییر ساختار سازمان ملل متحد، کد مطلب ۶۷۲۰۰۸، <https://www.islamtimes.org/fa/article/672008/> لینک انترنتی www.Islamtimes.org تاریخ دسترسی

گیرند و با ایجاد ساختاری منطقه ای و موازی با شورای امنیت سازمان ملل متحد در مقابله یک جانبه گرایی و بی عدالتی در جهان بایستند.^۱

مواضع قدرت های بین المللی در قبال اصلاحات در شورای امنیت

در مورد اصلاحات، ایالات متحده امریکا معتقد است که ترکیب فعلی شورای امنیت حفظ شود و اصلاحات باید در امر بودجه سازمان ملل صورت گیرد و دیگر کشورها کمک های مالی و نظامی خود را به سازمان ملل افزایش دهند. امریکا همچنین از عضویت دایمی جاپان و هند حمایت می کند که در راستای نقش این کشور در تأمین بودجه سازمان ملل و هماهنگی بیشتر جاپان با سیاست های امریکا می باشد. همچنین امریکا به دنبال این است که دولت های همسو با سیاست های واشنگتن عضو شورای امنیت شوند. روسیه هم از ابتدا مخالف افزایش اعضای شورای امنیت است و خواهان یافتن راه حل هایی برای تقویت شورای امنیت به عنوان نهاد مرکزی سازمان ملل متحد است که عهده دار اصلی حفظ صلح و امنیت بین المللی می باشد. چین با حمایت از اصلاحات در سازمان ملل سعی در شکل دهی به چند جانبه گرایی و موازنه قدرت است اما، به دلیل مسایل ژئوپولیتیکی مخالف عضویت جاپان و هند در شورای امنیت است. انگلیس و فرانسه برخلاف سه کشور قبلی خواستار افزایش اعضای شورای امنیت (پیوستن اعضای G4 شامل جاپان، هند، برزیل و آلمان به اعضای دایمی شورای امنیت) هستند زیرا به باور آنها در صورت افزایش تعداد اعضا مشروعیت شورای امنیت بیشتر می شود.^۲

سهم کشورهای شورای امنیت سازمان در امر بودجه

درآمدهای سازمان ملل از دو طریق حق عضویت اجباری و مشارکت داوطلبانه تأمین می شود. هر یک از ۱۹۷ کشور عضو سازمان ملل، موظف هستند درصدی از بودجه عملیاتی سازمان ملل و بودجه صلح آن را تأمین کنند. درصدی که هر کشور ملزم به پرداخت آن است، نصاب پیچیده ای دارد، اما، در نهایت ۲۲ درصد از بودجه عملیاتی و ۲۸ درصد از بودجه صلح، توسط ایالت متحده امریکا تأمین می شود. بر این مبنا، امریکا به تنهایی بیشترین سهم را در تأمین بودجه سازمان ملل بر عهده دارد. لازم به ذکر است که هریک از کشورها علاوه بر سهمی که بابت حق عضویت به سازمان ملل می پردازند، هزینه های دیگری نیز بابت عضویت و مشارکت در برنامه های مختلف سازمان ملل و مؤسسات زیر مجموعه آن، پرداخت می کنند.

۱ مرندي. سيد محمد، (۱۷۹۷)، تغيير در ساختار شورای امنیت مستلزم ایجاد نهادهای موازی است، تاریخ دسترسی، <https://ana.ir/fa/news/36/331427/> ۳۳۱۴۲۷ کد مطلب ۱۳۹۸/۱۱/۱۴

۲ اسلام تایمز فارسی، (۱۳۹۶)، نگاهی نو به خواست کشورها برای تغییر ساختار سازمان ملل متحد، کد مطلب ۶۷۲۰۰۸، <https://www.islamtimes.org/fa/article/672008/> لینک انترنتی، www.islamtimes.org تاریخ دسترسی ۱۳۹۸/۱۱/۱۴

به عنوان مثال، عضویت در یونیسف، برنامه جهانی غذا و ... هزینه های مختلفی را به کشورها تحمیل می‌کند. آمریکا در مجموع در سال ۲۰۱۴م در حدود ۱۰ میلیارد دلار به سازمان ملل پرداخت کرده است. سازمان ملل در مجموع ۳۴ زیر مجموعه دارد که هر یک از آن‌ها، هزینه هایی را بر عهده کشورهای عضو می‌گذارد. بودیجه سال ۲۰۱۶م سازمان ملل در حدود ۵۰ میلیارد دلار بوده است. در سال ۲۰۱۹م ایالات متحده آمریکا با سهم تقریبی ۶۷۵ میلیون دلاری، ۲۲ درصد از کل درآمدهای سازمان ملل را تأمین می‌کند. بعد از این کشور، چین با سهم ۱۲۰۰۵ درصدی در جایگاه دوم قرار دارد. چین با سهم ناخالص حدوداً ۳۶۸ میلیون دلاری به این جای گاه رسیده است. بعد از چین، جاپان با رقم ناخالص ۲۶۲.۵ میلیون دلار، سهم ۴.۵۶۴ درصدی در تأمین درآمدها دارد. بعد از جاپان، آلمان با سهم ۶۰۹ درصدی و بریتانیا با سهم ۴.۵۶۷ درصدی، در جایگاه چهارم و پنجم قرار دارند. کشورهای فرانسه، ایتالیا، برزیل، کانادا و روسیه، در جای گاه های پنجم تا دهم جهانی قرار گرفته اند. همان طور که در بالا نیز گفته شد، سازمان ملل با بیش از ۳۲ سازمان زیر مجموعه، هزینه ای نزدیک به ۵۰ میلیارد دلار دارد. اما به صورت کلی، بنا به آمار سال ۲۰۱۶م از مجموع این بودجه ۱۶.۴ میلیارد دلار را صرف کمک های بشردوستانه کرده است، ۱۱.۸ میلیارد دلار را صرف کمک های توسعه ای کرده است، و ۹.۲ میلیارد دلار هزینه تأمین صلح و آرامش در جهان شده است. در واقع، می‌توان گفت از بودیجه حدوداً ۵۰ میلیارد دلاری سازمان ملل، بیش از نیمی از آن صرف کمک و توسعه بشردوستانه می‌شود^۱

سلطه گرایی آمریکا بر سازمان ملل متحد:

سازمان های جهانی با هدف صلح و هم افزایی جهانی تشکیل شده اند. اما، با توجه به اینکه قدرت همواره در دستان کشورهای ثروتمند و قوی جهان است، و با توجه به موقعیت جهانی آمریکا و حضور ساختمان اصلی سازمان ملل در این کشور، به نظر می‌رسد که نفوذ آمریکا در این سازمان بسیار زیاد است. جای گاه آمریکا و قدرت سیاسی این کشور در تأمین بودیجه سازمان ملل و نهادهای جهانی، سبب شده است که بخشی از استقلال این سازمان ها زیر سؤال برود. با روی کار آمدن دونالد ترامپ، تأثیر سلطه آمریکا بر این سازمان ها بیش از پیش نشان داده شد. رئیس جمهوری آمریکا می‌گوید، «پولی که کشورش به سازمان ملل می‌دهد نسبت به کشورهای دیگر بسیار زیاد است. او همچنان می‌گوید، آمریکا یکی از ۱۹۷ کشور جهان است، اما به تنهایی ۲۲ درصد بودیجه سالانه سازمان ملل را پرداخت می‌کند. آقای ترامپ این روند را نا عادلانه خوانده است و ادعا کرده است که کشورهای دیگر، از سخاوتمندی آمریکا سوءاستفاده می‌کنند.» این در حالی است که ترامپ، بارها با شعار «اول آمریکا» در مجامع جهانی سخنرانی کرده است. باید این سؤال را از آقای رئیس

۱ صلواتی. علیرضا، ۱۳۹۸، دخل و خرج سازمان ملل متحد، مجله ایندیپندنت فارسی تاریخ دسترسی ۱۳۹۸/۱۲/۲۵، لینک
<https://www.independentpersian.com/node/21456> خبر

جمهور ترامپ پرسید که آیا کشوری با بزرگ‌ترین تولید ناخالص داخلی جهان که بیش‌ترین میزان مصرف انرژی را دارد (و در نتیجه آن، بیش‌ترین میزان آلودگی را نیز تولید می‌کند) باید سهمی برابر با سایر کشورهای جهان در تأمین بودیجه سازمان ملل داشته باشد؟^۱

مرکز مطالعات استراتژیک و منظوری

۱ صلواتی. علی‌رضا، ۱۳۹۸، دخل و خرج سازمان ملل متحد، مجله ایندیپندنت فارسی تاریخ دسترسی ۱۳۹۸/۱۲/۲۵، لینک خبر <https://www.independentpersian.com/node/21456>

پیشنهادات

برای بهبود ساختار و عمل کرد سازمان ملل به نظر شوارتز برگ استاد بین المللی دانشگاه مینه سوتا در کتاب «تحول نظام ملل متحد: طرح های برای یک جهان کارآمد» که توسط انتشارات دانشگاه سازمان ملل متحد در نوامبر ۲۰۱۳م در توکیو، نیویارک و پاریس منتشر شد وجود برخی اصلاحات را در این سازمان ضروری می داند، این اصلاحات باید هم از نگاه ساختاری و هم از نگاه محتوایی باشد و باید فصل ۱۲ و ۱۳ منشور مورد اصلاح دقیق قرار گیرد. مهم ترین این اصلاحات عبارت اند از:

- طراحی مجدد از منافع ملی در روابط بین الملل در قالب شهروند جهانی صورت بگیرد و همه دولت ها باید مسؤلیت جهانی داشته باشند نه پنج عضو دائمی شورای امنیت سازمان ملل متحد.
- خارج شدن از تقسیم بندی شمال و جنوب.
- انسجام بخشی به فعالیت های سازمان ملل.
- تجدید نیرو سازمان ملل به گونه ای که کادر اجرایی آن بروز و ماهر باشد.
- اصلاح مجمع عمومی و چگونگی رای دهی بر مبنای وزن کشورها در کارگزاری های ملل متحد از شورای امنیت تا ارکان و نهادهای دیگر سازمان یا تشکیل "مجمع پارلمانی جهانی" با صلاحیت قانون گذاری جهانی.
- کاهش یا افزایش اعضای شورای امنیت و حذف حق ویتو.
- تشکیل شورای "اقتصادی، اجتماعی و محیط زیستی" به جای شورای اقتصادی و اجتماعی.
- تشکیل یک "شورای حقوق بشر" قدرتمند.^۱
- مشارکت سازمان های غیر دولتی و دیگر بازی گران غیر دولتی در زمینه آب و هوا، محیط زیست، آموزش و جامعه مدنی کارایی سازمان ملل را بالا می برد.
- ایجاد همکاری بین دولت ها و سایر بازی گران غیر دولتی.
- کناره گیری کشورها از اختلافات و درگیری ها و حل آن از طریق مذاکرات دیپلماتیک.
- تشویق مراکز تحقیقاتی به اظهار نظر کردن در مورد فاجعه هایی که جهان به سمت آنها در حرکت است و بیان خطرات و توضیح راه حل ها و ابزار های پیش گیری کننده.
- بنیان گذاری سازمان های حقوقی که بتواند نقش بیشتر و بهتری ایفا کنند.

۱ راه اتمام اصلاحات، (۱۳۹۵). روزنامه مردم سالاری. کد مطلب ۶۱۲۰۲، تاریخ دسترسی ۱۳۹۸/۱۱/۲۵ ادرس اینترنتی

<https://www.mardomsalari.ir/report/61202/>

- تلاش کشورها برای ایجاد یک مجموعه سیاسی متکامل به هدف تحقق عدالت.
- مدیریت مشترک سازمان ملل متحد.
- به کارگیری هرچه بهتر سازمان ملل در راستای امنیت و صلح بین المللی.
- نقش این سازمان پر رنگ تر شده و تاثیر ابر قدرت ها بر آن از بین رود^۱.

مرکز مطالعات استراتژیک و منظوقوی

۱ منوری. محمد، (۱۳۹۶)، بررسی عوامل ناکارآمدی سازمان ملل، مرکز مطالعات راهبردی النبأ، تاریخ دسترسی ۱۱/۱۳/

۱۳۹۸، لینک انترنتی <https://pe.annabaa.org/news/1705>

نتیجه گیری

سازمان ملل متحد در ۲۴ اکتبر سال ۲۰۱۹ م ۷۴ ساله گردید. علی الرغم موانع ناشی از سیاست های دوگانه نقض مواد منشور این سازمان با اعتبار بین المللی توسط کشور های بانی آن که تطبیق و اجرای اهداف آن را با چالش گرفته است و هنوز هم می گیرد، ولی این ۷۴ سالگی شایسته تجلیل و قدردانی است زیرا نقش این سازمان در حل بعضی منازعات بین المللی و انکشاف بین المللی در عرصه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حایز اهمیت بزرگی بوده است. پروژه های انکشافی ملل متحد برای کشورهای به خصوص فقیر و در حال انکشاف خیلی مؤثر بوده اند. ولی در موازی با این انکشافات مثبت، جهان کنونی ما و مناطق ما و کشور ما از تهدید ها و خطرات توطئه های ضد امنیت و ثبات خالی نیستند. سیاست های مغرضانه دو پهلو نه تنها عامل بی ثباتی و کشتارهای مردمان ناشی از هر دو فکتور است بلکه مسیر ختم درامه سریال گونه جنگ و دورنماهای ثبات، انکشاف و امنیت را برای ما گنگ و مبهم ساخته است. واقعیت های اخیر منجمله جنگ در یوگوسلاویا سابق که در اثر بمباردمان ناتو بر دستگاه رادیو تلویزیون بیش پنجد غیر نظامی کشته شدند و حادثه سابرنیتسکا که منجر به کشته شدن هشت هزار مرد بوسنیایی گردید اما، هیچ کشوری عامل کشتارها بر جنایت شان اعتراف ننموده اند. جنایات جنگی در حوادث بمباردمان زنجیری در لیبیا توسط ناتو هیچگاهی به محکمه عدالت بین المللی راه نیافت، جنایات جنگی و حقوق بشر در عراق مورد توجه و بررسی سازمان عفو بین المللی و سازمان عدالت بین المللی قرار نگرفت. گروه های داعش و النصره جنایات بی نظیر ضد انسان و انسانیت را در تاریخ کشورهای این خطه و جهان انجام می دهند ولی همین سیاست های دوگانه بقای این نهادها را، زمینه سازی می نمایند. در دهه های اخیر به خصوص سه عضو شورای امنیت ملل متحد یعنی (آمریکا، انگلستان و فرانسه) که بنیاد گذاران و مهم ترین تعهد دهنده گان اصول همزیستی مسالمت آمیز اند، به حیث قدرت های بزرگ نظامی سرمایه داری تشنجات بزرگ بین المللی را به وجود آورده و بدون تصمیم یا در زیر پوشش شورای امنیت ملل متحد عملیات نظامی را در تعداد کشور ها انجام می دهند، حکومت های قانونی را با مداخله مستقیم نظامی و یا سازماندهی کودتا ها تعویض می نمایند و حکومت ها دست نشاندگی را بر ملت ها تحمیل می نمایند^۱.

روند جهانی شدن، فاصله ها را در جهان کاهش داده است و مسائل بین المللی هر چه بیشتر به هم مرتبط می شوند. از طرفی ماهیت تهدید و چالش ها در قبال صلح و امنیت بین المللی تغییر یافته است. علاوه بر منازعات طولانی منطقه ای، جهان قرن بیست و یکم به تهدید های اقتصادی و اجتماعی مانند فقر، بیماری

۱ دهزاد، بصیر. (۱۳۹۵). سیاست های دوگانه مانع تطبیق اهداف اجرایی ملل متحد. <https://www.haqiqat.org/>. تاریخ

های فراگیر و تنزل محیط زیست، تولید بیش از حد تسلیحات کشتار جمعی در کشورهای هستوی و جرایم فرامرزی مانند تروریزم روبرو شده است. که در این شرایط دولت ها به تنهایی نمی توانند با چالش های عصر جدید به مقابله بر خیزند. که نیاز به نهادهای منطوقی و جهانی، بیش از هر زمان دیگری احساس می شود. و سازمان ملل متحد در زمینه یگانه نهاد جهان شمولی است که مسئولیت حفظ امنیت و تقویت روابط گسترده کشورها در عرصه های مختلف را بر عهده دارد. لذا برای تعامل بهتر با چالش های بین المللی قرن بیست و یکم، سازمان ملل متحد در شرایط فعلی نیازمند تغییرات و اصلاحات اساسی در ساختار خود می باشد تا بتواند از قالب بیش از نیم قرن پیش خود خارج شده و با نیاز های هزاره یوم هماهنگ شود. از اینکه باید در ساختار سازمان ملل متحد و شورای امنیت این سازمان تغییرات اساسی ایجاد شود تا بتواند از یک سو با تغییر و تحولات هفت دهه اخیر متناسب گردد و از سوی دیگر منافع تمام کشورهای جهان را به نوعی تأمین کند، جای هیچ شک و تردیدی نیست^۱.

گرچه سازمان ملل متحد در خلال جنگ سرد، به رغم نقاط ضعف، به کار خود در حد محدودی ادامه داد، اما به طور قطع نتوانست به نحو شایسته به انجام وظایف محوله در شرایط جدید بین المللی بپردازد. واقعیت ها و تحولات بین المللی بار دیگر موضوع توزیع مجدد قدرت جهانی و همچنین تجدید نظر در ساختار و وظایف سازمان ملل متحد، را مطرح کرده است، به طور کلی توزیع قدرت در نهادهای سیاسی بین المللی بازتابی از توزیع جهانی قدرت در روابط بین المللی بر اساس واقعیات عینی است و شورای امنیت نیز از این اصل مستثنی نیست. در واقع اکنون فضای سیاسی جهانی پس از جنگ سرد به گونه ای بنیادین تغییر کرده است. از ۱۹۴۵م تاکنون تعدادی اعضای سازمان ملل متحد به ۱۹۷ عضو افزایش پیدا کرده است. به دنبال تحولات پس از جنگ سرد در نظام بین الملل، سازمان ملل متحد نیز باید در پی راه هایی برای تضمین امنیت بین المللی در سال های آینده باشد. به هر حال ترکیب کنونی اعضای آن، واقعیت تغییرات سیاسی و اقتصادی ۷۰ سال گذشته را منعکس نمی کند. این سازمان به داده ها، توان ها و انرژی های جدیدی احتیاج دارد که بتواند نیازهای معاصر را برآورده سازد. از عمده ترین نقاط ضعف سازمان ملل، ترکیب شورای امنیت می باشد که در حقیقت نمایان گر واقعیت های جهان در دنیای پس از جنگ جهانی دوم نه واقعیت های اوایل دهه قرن ۲۱ است. طی چند سال گذشته تلاش های عملی و نظری قابل توجهی به عمل آمده تا سازمان ملل قالب ها و نگرش های سنتی را ترک گوید و از طریق اعمال اصلاحات لازم، خود را با شرایط جدید تطبیق دهد. و در نهایت امکان برخوردی موفقیت آمیز با بحران های خاص دوران جدید را بیابد.

۱ زاهد.محمد اکبر، همان اثر، صص ۱۶۲-۱۶۱

چنانچه قرار باشد فعالیت های شورای امنیت در تمام نقاط مورد پذیرش واقع شود، لازم است این نهاد نقش عمده تری در ارایه دیدگاه های گوناگون ایفا کند^۱.

مرکز مطالعات استراتژیک و منظوری

۱ یزدانی. عنایت الله، دوستی. جعفر، (۱۳۸۶)، بررسی طرح های پیشنهادی برای اصلاح شورای امنیت سازمان ملل متحد، فصلنامه سیاست خارجی سال ۲۱ شماره ۱، پرتال جامع علوم انسانی، تاریخ دسترسی ۱۳۹۸/۱۲/۲۵، ص ۲

ضمیمه شماره ۱

هشت اصل عمده منشور آتلانتیک و موضوع اخراج افریقای جنوبی

الف: منشور آتلانتیک را میتوان، در هشت بند اصلی، چشم اندازی برای توافقات پس از جنگ برشمرد:

- ایالات متحده یا دولت انگلستان هیچ چشم داشت سرزمینی نداشت.
- تغییرات سرزمینی بایست به خواست مردمان مربوطه باشد.
- همه مردم حق تعیین سرنوشت داشتند.
- موانع تجاری کاهش می یافت.
- همکاری های اقتصادی جهانی و پیش برد رفاه اجتماعی می بایست وجود داشته باشد.
- اعضا برای ایجاد جهان آزاد از آز و ترس همکاری می کردند.
- اعضا برای آزادی دریا ها همکاری می کردند.
- قرار بود کشور های متجاوز خلع سلاح شوند و پس از جنگ خلع سلاح همگانی باشد^۱.

ب: در طرح قطعنامه اخراج افریقای جنوبی از سازمان ملل متحد چنین آمده بود: از آنجائیکه دولت اتحادیه افریقای جنوبی به اجرای سیاست نژاد گرایی و به ویژه نژاد جدایی (آپارتاید) خود ادامه می دهد و همچنین از تحویل اداره سرزمین نامی افریقای جنوب غربی که باید تحت اداره سازمان ملل متحد قرار گیرد خودداری می نماید و با توجه به اینکه دولت افریقای جنوبی در جهت مخالف تصمیم شورای امنیت مبتنی بر محاصره اقتصادی رودزیایی (توجه: این نام به من ناشناخته است) جنوبی اقدام می کند، اخراج آن دولت از شورای امنیت درخواست شده است. هرچند اکثریت اعضای شورای امنیت بدین طرح قطعنامه رأی موافق دادند (۱۰ رأی موافق) ولی سه دولت ایالات متحده امریکا، فرانسه و انگلستان به مناسبت دارا بودن حق ویتو با سه رأی منفی خود مانع تصویب طرح قطعنامه نامبرده شدند و به این ترتیب شرایط مذکور در ماده ۶ منشور برای اخراج دولت اتحادیه افریقای جنوبی یعنی توصیه شورای امنیت و تصمیم مجمع عمومی احراز نگردید و رأی اخیر مجمع عمومی بر اینکه نمایندگی آن دولت حق ندارد در آن مجمع یا در بحث های آن شرکت نماید و یا رأی بدهد به مثابه اخراج آن کشور نباید تلقی شود و شاید بتوان این اقدام را بدین ترتیب توجیه کرد که چون هریک از ارکان مجمع عمومی حاکم بر نحوه اجرای آئین رسیدگی خود می باشند عمل بیست و نهمین دوره مجمع عمومی نیز در محدوده همین اصل کلی بوده است. در هر حال رأی اخیر تنها ناظر به بیست و نهمین مجمع عمومی بوده و شامل ارکان دیگر ملل متحد نخواهد شد. این نکته را نیز باید

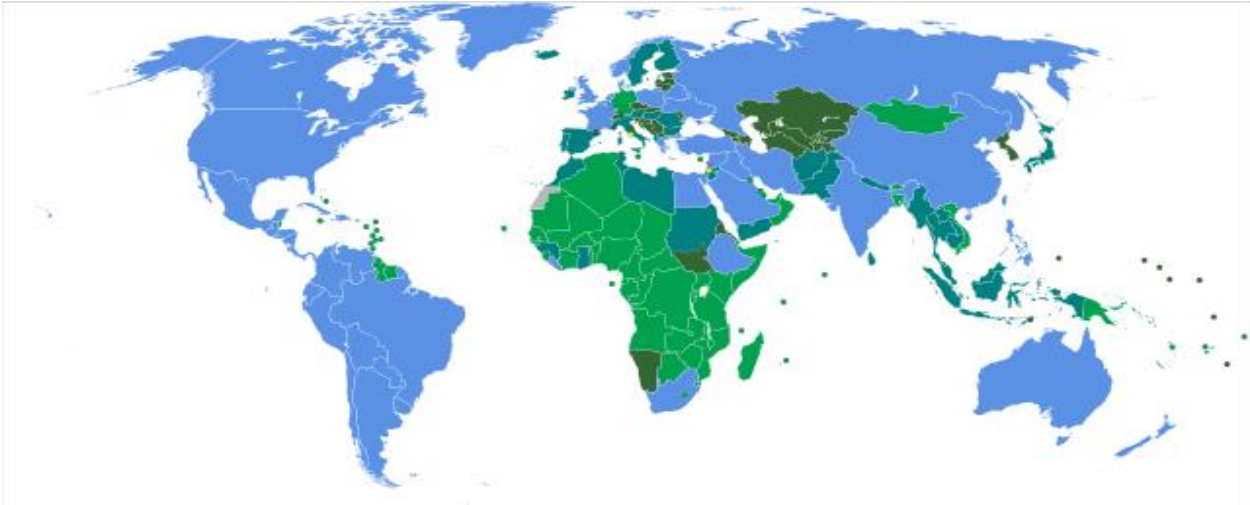
یادآوری کرد که سه دولت فرانسه، انگلستان و ایالات متحده آمریکا در توضیح رأی خود در شورای امنیت متذکر شدند که آنها نیز با سیاست نژاد جدایی (آپارتاید) که در اتحادیه افریقای جنوبی حکم فرماست، مخالف اند و اگر به قطعنامه رأی موافق ندادند از این جهت است که اخراج اتحادیه افریقای جنوبی نه فقط مشکل را حل نمی کند برعکس آن کشور را در مقابل افکار عمومی جهانی آسیب ناپذیر قرار خواهد داد آنها درست هنگامی که به نظر می رسد که دولت افریقای جنوبی در صدد است سیاست نژاد گرایی خود را تعدیل نماید و خط مشی ملایم تری در پیش بگیرد. البته این نکته را هم نباید نادیده گرفت که کشورهای نامبرده ۴/۳ میلیارد دالر در سرزمین افریقای جنوبی سرمایه گذاری کرده اند، از طرف دیگر افریقای جنوبی دارای موقعیت سوق الجیشی بسیار مهمی است که نمی توان آن را نادیده گرفت و این دو عامل در رأی منفی سه دولت غربی نمی توانست بی اثر باشد^۱.

مرکز مطالعات استراتژیک و منطوقی

۱ عبده. داکتر جلال، موضوع اخراج افریقای جنوبی از سازمان ملل متحد، پرتال جامع علوم انسانی مسایل جهان شماره هفتم <http://ensani.ir/fa/article/276351> سال دوم (آرشیو سال ۱۳۵۳)، صص ۱۱-۱۳

ضمیمه شماره ۲

فهرست کشورهای مؤسس سازمان ملل متحد



نقشه کشورهای فعلی عضو سازمان ملل متحد

۱۹۴۵م (اعضای مؤسس)



۱۹۴۶-۱۹۵۹م



۱۹۶۰-۱۹۸۹م



۱۹۹۰-اکنون



کشورهای غیر عضو ناظر



۵۱ کشور عضو (به ترتیب حروف الفبای انگلیسی، با استفاده از نام کشورها در اکتوبر (۱۹۴۵م) عبارت اند از:

شماره	اسم کشور	شماره	اسم کشور
۱	ارژانتین	۲۸	هندوستان
۲	آسترالیا	۲۹	ایران
۳	بلژیک	۳۰	عراق
۴	بولیوی	۳۱	لبنان
۵	برازیل	۳۲	لیبریا

1 <https://fa.wikipedia.org/wiki/>

لوگزامبورگ	۳۳	بلاروس	۶
مکزیک	۳۴	کانادا	۷
هالند	۳۵	شیلی	۸
نیوزیلند	۳۶	چین	۹
نیکاراگوئه	۳۷	کلمبیا	۱۰
نروژ	۳۸	کاستاریکا	۱۱
پاناما	۳۹	کوبا	۱۲
پاراگوئه	۴۰	چکسلواکی	۱۳
پرو	۴۱	دنمارک	۱۴
جمهوری فلیپین	۴۲	جمهوری دومینیکن	۱۵
لهستان	۴۳	اکوادور	۱۶
عربستان سعودی	۴۴	مصر	۱۷
سوریه	۴۵	السالوادور	۱۸
ترکیه	۴۶	ایتالیایی	۱۹
جمهوری سوسیالیستی اوکراین	۴۷	فرانسه	۲۰
اتحادیه آفریقای جنوبی	۴۸	یونان	۲۱
اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیست	۴۹	گواتمالا	۲۲
انگلستان (پادشاهی متحد)	۵۰	هائیتی	۲۳
ایالات متحده امریکا	۵۱	هندوراس	۲۴
		ارگوئه	۲۵
		ونزوئلا	۲۶
		یوگوسلاوی	۲۷

منابع

۱. رضا زاده. موسی، (۱۳۹۰)، سازمان های بین المللی، تهران، نشر میزان.
۲. میراحسنی. منیرالسادات، (۱۳۸۸)، مجله اقتصادی-ماهنامه بررسی مسایل و سیاست های اقتصادی، شماره ۹۳ و ۹۴.
۳. پایگاه اطلاع رسانی حوزه، سازمان ملل متحد و عمل کرد آن، تاریخ نشر (۱۳۸۷)، مجله مبلغان، شماره ۱۰۸، لینک خبر <https://hawzah.net/fa/Magazine/View/2689/6604/77076/>.
۴. سعیدی نژاد. حمید رضا، (۱۳۸۲)، فصلنامه مطالعات منطقه ای: اسرائیل شناسی-آمریکا شناسی (نگاه فلسطین، سازمان ملل و ایالات متحده آمریکا)، سال پنجم شماره ۱.
۵. احمدی. حسین پور، مزیدی. مقداد قنبری، ۱۳۹۲، عوامل بحران کارکرد سازمان ملل متحد، فصلنامه سیاست خارجی سال بیست و هفتم شماره ۱.
۶. زاهد. محمد اکبر، (۱۳۹۵)، سازمان های بین المللی، کابل، انتشارات مستقبل.
۷. کاظم سجاد پور. سید محمد، آقامحمدی. زهرا، (۱۳۹۴)، شورای امنیت، قدرت های بزرگ و عملیات حفظ صلح سازمان ملل متحد: چارچوب های مفهومی و کارکرد های عملیات، فصلنامه آفاق امنیت، سال هشتم، شماره ۲۸.
۸. سیف زاده. فرزانه، زمانی. سید قاسم، سواری. حسن، راعی دهقی. مسعود، (۱۳۹۶)، بررسی ماموریت های شورای امنیت در اعمال دکترین مسئولیت حمایت، مجله پژوهش های حقوقی تطبیقی، دوره ۲۱، شماره ۱.
۹. سفارت فرانسه در افغانستان، فرانسه و شورای امنیت سازمان ملل متحد، وبسایت سفارت فرانسه در افغانستان: www.franceonu.org www.diplomatie.gouv.fr لینک af.ambafrance.org.
۱۰. آقایی. سید داود، (۱۳۸۱)، ایران و سازمان های بین المللی، نشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۱. ایزدی. علی، (۱۳۹۵)، بررسی تاریخی و تحلیلی اجرای احکام دیوان بین المللی دادگستری، تهران، مجله حقوقی بین المللی، شماره ۵۴.
۱۲. کرامی. کاوه، (۱۳۹۶)، دیوان کیفری بین المللی چه می کند؟، بی بی سی فارسی، وبسایت www.bbc.com، لینک دسترسی به موضوع <https://www.bbc.com/persian/world-42109306>.
۱۳. منوری. محمد، (۱۳۹۶)، بررسی عوامل ناکارآمدی سازمان ملل، مرکز مطالعات راهبردی النبأ، لینک انترنتی <https://pe.annabaa.org/news/1705>.
۱۴. دهبزاد، بصیر. (۱۳۹۵). سیاست های دوگانه مانع تطبیق اهداف اجرایی ملل متحد قسمت اول. لینک خبر <https://www.haqiqat.org/>.

۱۵. ناکامی قطعنامه سازمان ملل متحد، (۱۳۹۷). هفته نامه تجارت فردا: تنگه خطر اخبار بین الملل (سیاست). کد مطلب ۲۹۶۰. <http://www.tejaratefarda.com/>
۱۶. سنگاچین، فرزام، اهداف توسعه هزاره و اهداف توسعه پایدار، ماهنامه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کار و جامعه، شماره ۱۸۶ سال ۱۳۹۴، تهران، لینک موضوع <http://ensani.ir/fa/article/356474/> وزارت اقتصاد-کابل افغانستان، سمپوزیم روی اهمیت انکشاف پایدار، وبسایت info@sdgs.gpv.af لینک دسترسی <https://moec.gov.af/dr/>
۱۷. راه اتمام اصلاحات، (۱۳۹۵). روزنامه مردم سالاری. کد مطلب ۶۱۲۰۲. لینک دسترسی به موضوع <https://www.mardomsalari.ir/report/61202/>
۱۸. اسلام تایمز فارسی، (۱۳۹۶)، نگاهی نو به خواست کشورها برای تغییر ساختار سازمان ملل متحد، کد مطلب ۶۷۲۰۰۸، لینک اینترنتی <https://www.islamtimes.org/fa/article/672008/> وبسایت www.Islamtimes.org
۱۹. مرندی. سید محمد، (۱۷۹۷)، تغییر در ساختار شورای امنیت مستلزم ایجاد نهاد های موازی است، کد مطلب ۳۳۱۴۲۷ <https://ana.ir/fa/news/36/331427/>
۲۰. صلواتی. علیرضا، (۱۳۹۸)، دخل و خرج سازمان ملل متحد، مجله ایندپندنت فارسی، لینک دسترسی به خبر <https://www.independentpersian.com/node/21456>
۲۱. عبده. داکتر جلال، (آرشیو ۱۳۵۳)، موضوع اخراج آفریقای جنوبی از سازمان ملل متحد، پرتال جامع علوم انسانی مسایل جهان شماره هفتم سال دوم لینک <http://ensani.ir/fa/article/276351>
۲۲. یزدانی. عنایت الله، دوستی. جعفر، (۱۳۸۶)، بررسی طرح های پیشنهادی برای اصلاح شورای امنیت سازمان ملل متحد، فصلنامه سیاست خارجی سال ۲۱ شماره ۱، پرتال جامع علوم انسانی
- I. United Nations ATA Glance pdf 25/10/2019
- II. www.wikipedia.org